

معرفی‌های اجمالی

بخش‌های آن را برگزیند و توضیحاتی برای درک بهتر متن در تعلیقات بیاورد و مقدمه‌ای جامع و سودمند بر آن بنویسد تا خواننده با خواندن آن، شناختی بیش و کم کامل از متن و صاحب متن فراچنگ آورد.

یکی از کسانی که در این زمینه توفیق بسیاری داشته، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی است. او با داشتن دانش و اطلاعات عمیق و فراوان در زبان و ادبیات فارسی و عرفان اسلامی، با چاپ گزیده‌متونی همچون دیوان شمس، دیوان بیدل دهلوی، دیوان سنایی، دیوان انوری و ... نقشی آشکار در جهت‌دهی مطالعات متون ادبی در جامعه داشته است؛ در واقع گزیده‌هایی که شفیعی کدکنی از متون به دست داده، آنها را در جامعه احیا کرده و رواج داده است.

گزیده‌های او همواره همراه با توضیحاتی عالمانه برای فهم بهتر متن بوده است که هم برای خوانندگان عادی هم خوانندگان حرفه‌ای و پژوهشگران بسیار سودمند است و همیشه نکاتی تازه دربر دارد. از مقدمه‌هایی که شفیعی کدکنی بر این گزیده‌ها نگاشته، می‌توان با عنوان بهترین نمونه‌های سبک‌شناسی در تاریخ تحقیقات و سبک‌شناسی ادبیات فارسی یاد کرد.

یکی از موفق‌ترین گزیده‌هایی که او به چاپ رسانده است، برگزیده غزلیات شمس است که نخستین بار در سال ۱۳۵۲ توسط سازمان کتاب‌های جیبی انتشار یافت و پس از آن بارها تجدید چاپ شد و «در سی و پنج سال اخیر، بسیاری از شیفتگان هنر مولانا دریچه‌آشنایی خود را با شعر او، از رهگذر این کتاب می‌دانند».

اکنون پس از سال‌ها، شفیعی کدکنی گزیده‌ای مفصل‌تر، از دیوان شمس با عنوان غزلیات شمس تبریز عرضه کرده که به تازگی از سوی انتشارات سخن در دو جلد منتشر شده است و از گزیده‌پیشین متفاوت است، چه در مقدمه و چه در متن و تعلیقات.

غزلیات شمس تبریز؛ مقدمه، گزینش و تفسیر: محمدرضا شفیعی کدکنی، ۲ جلد، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۷.

غزلیات شمس تبریز

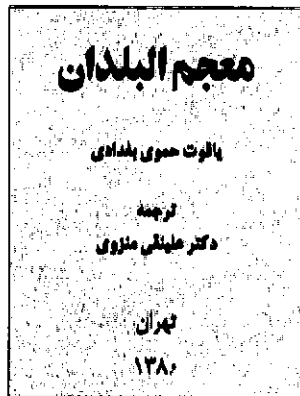
مقدمه، گزینش و تفسیر
محمدرضا شفیعی کدکنی

تهران
۱۳۸۷

یکی از سنت‌های رایج چنددهه‌ اخیر در متون ادبی، برگزیدن بخش‌هایی از متن و چاپ آن با عنوان گزیده است. این کار فواید بسیاری دارد؛ از آنجا که حجم برخی متون ادبی بسیار زیاد است و ممکن است صورت کامل آن چندین مجلد باشد، خواندن همه آن، گاه ملال‌آور می‌شود و این خود سبب اصلی مهجور ماندن و خوانده نشدن آن متن است.

برای جلوگیری از چنین پیشامدی است که بهترین و مهم‌ترین بخش‌های متن، برگزیده می‌شود تا رغبت خواننده به خواندن آن افزوده شود؛ مثلاً برای یافتن و خواندن چند شعر خوب از یک دیوان بزرگ، به خواندن و از چشم گذراندن همه آن نیازی نباشد؛ البته گزیده نیز باید شرایط و ویژگی‌هایی داشته باشد. فردی که به برگزیدن یک متن ادبی دست می‌یازد باید به آن متن مسلط باشد و با ذوق و دانش شعری بالا، بهترین

معجم البلدان تألیف یاقوت حموی بغدادی، ترجمه دکتر علینقی منزوی، ج ۱، ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.



در میان آثار متعددی که دانشمندان مسلمان از قرون اولیه هجری در خصوص اوضاع و احوال جغرافیایی جهان همچون مسالک الممالک های متعدد، حدود العالم، تاریخ پیامبران و پادشاهان، اشکال العالم، صورة الارض، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، اعلاق النفیس، آگام المرجان و... به رشته تحریر درآورده اند؛ کتاب معجم البلدان یاقوت حموی دارای جایگاهی ویژه است. معجم البلدان در واقع یک دایرة المعارف بزرگ مکان ها در قرون ششم و هفتم هجری قمری است که یاقوت با مسافرت های متعدد به سرزمین های متعدد و مطالعات بسیار گردآورده و به ترتیب حروف الفبا آن را تنظیم نموده است. این اثر به واسطه دارا بودن چند ویژگی از سایر آثار زمان خویش متمایز است:

۱. در اکثر موضوعات، منابع مطالب چه به صورت نقل قول از اشخاص و بزرگان و چه بهره گیری از منابع قدما در متن ذکر شده است.

۲. در مبحث وجه تسمیه مکان های جغرافیایی از نظر لغت شناسی، جنبه های مختلف آن مورد بحث واقع شده است.

۳. با وجود آنکه اثر فوق در واقع دایرة المعارف مکان هاست، اما از نظر بیان اعلام تاریخی و به ویژه ذکر اعلام بزرگان دینی، صحابه و محدثین ارزش و اهمیت ویژه دارد.

۴. در بیان ویژگی های جغرافیای طبیعی و تاریخی مکان های مختلف، جنبه های اجتماعی، اقتصادی و حتی مردم شناسی مکان ها مورد اشاره قرار گرفته است.

یاقوت انگیزه نگارش این اثر را چنین آورده است: «انگیزه این نگارش و پیکری گردآوری آن، بیکاری و بازی و یا خواهش نفسانی یا ترس از چیزی یا وطن دوستی، یا امید رسیدن به دوست و آرامش، هیچ یک نبود، بلکه من انجام دادن این کار را

این کتاب که به صورتی بسیار زیبا و آبرمند چاپ شده، بیش از ۱۰۵۰ غزل و ۲۵۰ رباعی از مولانا را دربر دارد. جلد اول کتاب با مطلبی کوتاه با عنوان گزارش کار آغاز می شود که در آن به طور اجمالی روش کار گفته شده است. بعد از آن، سه فهرست مفصل بر اساس حروف اول مطلع غزل ها و قافیه و ردیف و اوزان آمده که برای سهولت کار خوانندگان و محققان، بسیار سودمند است. پس از فهرست ها مقدمه مفصل کتاب قرار دارد که حاکی از ممارست شفیهی کدکنی در شعر مولانا و شناخت عمیق او از جنبه های مختلف شعر و شخصیت مولانا است.

در این مقدمه به طور اجمالی و بسنده، از زندگی مولانا و زمان حیات او و معاصرانش سخن رانده شده است. آثار مولانا معرفی شده و بحث های دقیق، تازه و سودمندی در «قلمرو عاطفه و اندیشه مولانا»، «بوطیقای مولانا»، «تخیل مولانا»، «زبان شعر» و «موسیقی مولانا» و... «شکل غزل مولانا» مطرح شده است.

پس از این پیش گفتار مفصل، متن غزل ها قرار دارد؛ ۱۰۶۵ غزل مولانا و ۱۰ غزل از غزلیات منسوب به او با توضیحاتی تازه و پرسود در ذیل هر غزل. بعد از بخش غزل ها، ۲۵۶ رباعی از رباعیات مولانا و منسوب به او قرار دارد که باز در توضیحات پایین هر صفحه نکاتی درباره متن رباعی ها و مأخذ اصلی بعضی از آنها گفته شده است.

شیوه شرح و تفسیر در این کتاب «شیوه فیلولوژیک و تاریخی» است؛ شیوه ای که در آن، فرهنگی و معارف معاصر عصر گوینده (مولانا) برای خواننده بازگو می شود تا به این وسیله بتواند حقیقت شعر گوینده (مولانا) را با توجه به فضای فرهنگی عصر او دریابد؛ به دور از هر گونه خیالبافی و تأویل های غریب دور از ذهن.

بعد از قسمت متن اشعار، فهرست مفصلی با عنوان راهنمای تعلیقات قرار گرفته که برای سهولت در کار تحقیق بسیار سودمند خواهد بود. در پایان کتاب فهرستی از مراجع آمده که نشان از تتبع ژرف و گسترده استاد در منابع و تسلط کم نظیر او بر آنها دارد.

از ویژگی های این کتاب می توان به کم غلط بودن آن، زیبایی طرح جلد و حروف به کار رفته در آن اشاره کرد. امید است استاد با چاپ آثار ارزشمند دیگری، باز هم جامعه علمی ایران را از دانش وسیع خود بهره مند سازد.

ارحام مرادی

کسی ساخته نیست؛ مگر فرۀ ایزدی پشتیبان او باشد و دل به دریا زند و در جوانی به آن آغاز کند و عمری دراز یابد و پیگیری داشته باشد.

یاقوت در ادامه در خصوص هدیه کتاب چنین گوید: «باری من این کتاب را به خامة خودم برای خزانه مولایم، صاحب بزرگوار دانشمند گرانقدر... پیشوای فاضلان، بزرگ وزیران، قاضی جمال‌الدین ابوالحسن علی پسر یوسف پسر ابراهیم پسر عبدالواحد شیبانی تمیمی... پیشکش کردم؛ زیرا که من از آغاز زندگی همیشه در رنج و زحمت بودم و با روزگار دست و پنجه نرم می‌کردم و پیوسته خواهان آرامش بودم، ولی جز رنج نمی‌دیدم تا آنکه سرانجام پس از مدت‌ها کشاکش و انتظار گشایش، دست در دامن عنایت ابن یوسف زدم و از دستبرد حوادث روزگار ایمنی یافتم و در زیر سایه او چنان خود را از چشم بد روزگار پوشانیدم که من روزگار را می‌دیدم و او مرا نمی‌دید و اگر از ابناي زمان سراغ ما می‌گرفتند، نمی‌دانستند که کیستم و کجا هستم. او که خدایش بزرگ دارد، پرچم دار دانش روزگار ماست و من دانشی را که از او گرفته‌ام، به او باز پس می‌دهم و چیزی را از من روایت می‌کند که من از خود او روایت کرده‌ام».

یاقوت در ذکر پیشینیانی که در خصوص شناخت شهرها و کشورها و اندازه فاصله راه‌ها قبل از وی اقدام به تألیف کتاب نموده‌اند، از ۲۷ نفر از دانشمندان و بزرگان در این زمینه نام برده است.

این اثر ارزشمند با وجود چاپ‌های مکرر در برخی از کشورها به زبان عربی، متأسفانه تا کنون به زبان فارسی ترجمه و منتشر نشده بود. در سال‌های اخیر استاد دکتر علینقی منزوی ترجمه این اثر را به وجه احسن به انجام رسانیده است.

مترجم محترم، ترجمه کتاب معجم را از چاپ و ستفولد انجام داده است که معتقد است کهن‌ترین و درست‌ترین چاپ معجم البلدان است.

معجم البلدان تألیف یاقوت حموی بغدادی، ترجمه دکتر علینقی منزوی، ج ۱، چ ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.

جلد اول این اثر در قطع رحلی در دو بخش و در دو مجلد ارائه شده است. بخش نخست جلد اول در ۳۷۹ صفحه ارائه شده است که پس از مقدمه کوتاه ناشر، مترجم ۲۵ صفحه را به زندگینامه یاقوت، روش کار در تدوین معجم و چاپ‌های متعدد معجم البلدان اختصاص داده است و در پایان در دو صفحه سال‌شمار زندگانی یاقوت را ارائه کرده است؛ سپس در پنجاه

بایسته دانستم و با توانی که در خود دیدم، داوطلب شدن را واجب شمردم. کتاب عزیز کریم مرا به این وظیفه آشنا کرد و راهنمایی نمود. خدای تعالی در آنجا که می‌خواهد نشان‌های خود را بر بندگانش نمایان سازد و حجت را برای کیفر آینده ایشان تمام نماید، می‌گوید: «چرا در زمین گردش نکردید تا دلی خردگرا و گوشی شنوا بیابید که کوری تنها به چشم نیست، بلکه دل در سینه کور می‌شود» (حج ۴۶). این هشدار است برای کسانی که شهرها را می‌گردند و چیزی در نمی‌یابند، تاریخ گذشته را می‌خوانند و عبرت نمی‌گیرند...».

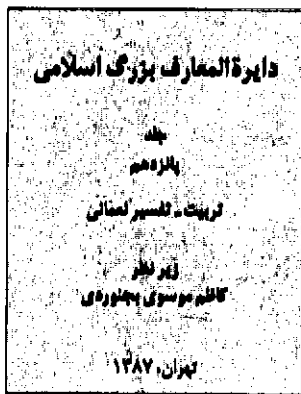
وی در جای دیگر از مقدمه اثر چنین آورده است: «یکی از چیزهایی که مرا به نگارش این کتاب برانگیخت، آن بود که روزی به سال ۶۱۵ در مرو شاه‌جان در مجلس پیر ما، امام سعید شهید فخرالدین ابوالمظفر عبدالرحیم سمعانی درباره «حباشه» پرسیدند که نام جایگاهی است در حدیث پیامبر آمده است که بازاری از بازارهای تازیان در جاهلیت بود. من گفتم به نظر من باید حباشه به ضم حاء باشد؛ زیرا که ریشه حباشه به معنی گروهی مردم است که از قبیله‌های گوناگون بودند. یکی از شنوندگان که محدث بود، فریاد برآورد که حباشه با فتح حاء است و بر آن اصرار ورزید و چون دلیل علمی ریشه‌شناسانه او را سود نداشت. من به دنبال دلیل نقلی در کتاب‌های «غریب الحدیث» و لغت‌نامه‌ها که در مرو بسیار بود، گشتم و چیزی نیافتم. به هر حال سپاس خدا را که درست همان بود که من گفتم؛ پس به اندیشه من فتاد که نیاز به کتابی در این زمینه هست که این واژگان را به درستی ضبط کند تا در چنین پیشامدها راهنما باشد. بر آن شدم که پیشگام شوم و سینه‌ام برای چنین دست‌آورد که پیشینیان برای پسینیان برجا نهاده‌اند. چه خوش گفتم ابو عثمان که: «زبان بخش‌ترین اندیشه برای مردم علم آن است که گوید گذشتگان چیزی برای جستجو برای آیندگان باقی نگذارده‌اند؛ زیرا این اندیشه همت افراد را در جستجو سست می‌کند».

وی در بخش پایانی مقدمه چنین آورده است: «چون نگارش این کتاب به درازا کشید و من به دلخواه و پسند خود نرسیدم، اینک گویم: این است آنچه من آوردم، اینک ماه جوانی من به خسوف پیری رفته و من در اینجا به امید رسیدن به آرزو ایستاده‌ام تا این دفتر را پیش از مرگم به حجله بفرستم و چون از مرگ ناگهانی می‌اندیشم، آن را به همین گونه در اختیار خواستاران و منتظران می‌نهم؛ زیرا به بقای عمرم که با رنج و بیماری دست به گریبان است، امیدی ندارم؛ با این همه می‌گویم که این کتاب در رشته خود بی‌مانند است و سرور همگنان خود است، مانند آن از

۱. ترجمه فوق، ترجمه ای روان و سلیس است و ارجاعات مکرر پاورقی ها به برخی از کتب قبل و بعد از زمان یاقوت توسط مترجم، نشان از تلاش مترجم علاوه بر ترجمه در مقابله اثر دارد.
۲. فاصله زمانی سه ساله چاپ جلد اول (۱۳۸۰) و جلد دوم (۱۳۸۳) مورد توجه است.
۳. مترجم در جلد اول با عنوان انگیزه ترجمه کتاب فوق، به بیان آثار و فعالیت های انجام داده عملی خویش پرداخته و در پایان آورده است: بیکاری مطلق در آن تاریخ (بدون ذکر تاریخ) مراوداشت در بخش جغرافیا، معجم البلدان را ترجمه نمایم و به انتشارات «نشر نو» جهت نشر بسپارم و پس از مدتی آن را به سازمان میراث فرهنگی بسپارم. آنچه در این باره قابل ذکر است اینکه: متأسفانه جلد سوم و چهارم اثر فوق توسط میراث فرهنگی تا کنون منتشر نشده است و دوستان این اثر ارزشمند را - که اولین بار به زبان فارسی منتشر می گردد - همچنان چشم به راه آن قرار داده است. امید است انتشار مجلدات دیگر آن به دست فراموشی سپرده نشود.

حمیدرضا میرمحمدی

دایرة المعارف بزرگ اسلامی جلد ۱۴ و ۱۵، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، تهران.



نگارنده این سطور پیشتر در خصوص نگاهی آماری به دایرة المعارف بزرگ اسلامی جلد اول تا سیزدهم مختصری در همین مجله آینه پژوهش شماره ۱۰۳، فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۶ و نیز تحت عنوان آمار شهرها و شهرستانهای ایران در دایرة المعارف بزرگ اسلامی در مجله جهان کتاب شماره ۲۲۲ و ۲۲۳ آبان و آذر ۱۳۸۶ عنوان نمود و اینک در پی انتشار جلد ۱۴ و ۱۵ این اثر ارزشمند، ذکر مختصری دیگر در خصوص شهرها و شهرستان های ایران می شود. قبل از پرداختن به این موضوع ذکر چند عنوان کلی لازم و ضروری است:

صفحه با عنوان کتابنامه منابع کار یافت مورد بررسی و معرفی قرار گرفته است. پس از آن در ۳۲۹ صفحه، بخش نخست جلد اول تنظیم و ارائه شده است. این بخش در پنج باب آمده است: باب نخست: شکل زمین و نقل سخن پیشینیان درباره آن؛ باب دوم: اختلاف ایشان در معنی اقلیم و ریشه آن و قبله شناسی در هر یک؛ باب سوم: شناخت برخی از الفاظ و اصطلاح ها که بسیار در این کتاب یاد شده اند؛ باب چهارم: حکم شرعی زمین هایی که مسلمانان فتح کردند و چگونگی تقسیم فیء و خراج اراضی که به مصالحه گرفته شده و یا در زمین هایی که با زور شمشیر گشوده شده است؛ باب پنجم: کلیاتی از تاریخ شهرها که در بخش نخست حرف همزه مورد بحث واقع شده است.

بخش دوم جلد اول معجم از صفحه ۳۸۳ آغاز شده و در صفحه ۸۳۰ پایان می یابد. این بخش حروف «ب»، «ت» و «ث» را ترجمه و تنظیم کرده است.

معجم البلدان، تألیف یاقوت حموی بغدادی، ترجمه دکتر علیقلی منزوی، ج ۲، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.

جلد دوم ترجمه معجم البلدان در قطع رحلی و با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه در ۶۴۸ صفحه تنظیم شده است.

در ابتدای جلد دوم شرح احوال و آثار علیقلی منزوی (مترجم) به قلم نادر کریمیان سردشتی در هفت صفحه آمده است. در این شرح حال، تألیف و ترجمه هجده اثر در قالب کتاب و هشتاد عنوان مقاله در کارنامه ایشان فهرست شده و در پایان، عنوان هفت مقاله درباره علیقلی منزوی فهرست گردیده است. در کارنامه تألیف و ترجمه مترجم محترم اثر، ترجمه و تصحیح چند جلد از مجموع ۲۵ جلد کتاب ارزشمند الذریعه الی تصانیف الشیعه شیخ آقابزرگ تهرانی و طبقات اعلام الشیعه بیشتر نمود یافته است.

نکته قابل توجه اینکه: جناب کریمیان سردشتی در بند دوم آثار استاد منزوی، تحت عنوان «نظارت، تدوین و مقابله دفترهای لغت نامه دهخدا» به ترتیب ذیل: لغت نامه دهخدا «هدف» ۱ (شماره مسلسل ۷۹) ضمناً زیر نظر دکتر محمد معین را آورده است و اثر دیگری از لغت نامه نیامده است؛ در صورتی که ظاهر عنوان بیانگر تعدادی بیش از یک عنوان است.

ترجمه جلد دوم معجم البلدان از حرف «ج» آغاز می شود و تا پایان حرف «ز» را شامل می گردد. نکات قابل ذکر در ترجمه این اثر عبارت اند از:

۱. به آمارهای غیررسمی و منابع غیر از منابع مرکز آمار ایران و نتایج سرشماری های رسمی، همچون نامه فرمانداری و ... در دایرة المعارف جلد ۱۴ و ۱۵ استناد شده است.

۲. در مورد برخی از شهرها از ذکر مختصات جغرافیایی، طول شرقی یا غربی و عرض شمالی و جنوبی خودداری گردید و صرفاً به بیان لفظ طول و عرض بسنده شده که صحیح به نظر نمی آید.

۳. عدم ارائه آمار به هنگام به ویژه در خصوص شهرها؛ به نحوی که در جلد ۱۵ ضمن آنکه زمان انتشار آن سال ۱۳۸۷ می باشد، از آمار سال ۱۳۷۵ و در خصوص برخی دیگر از آمار سال ۱۳۸۵ استفاده شده است.

۴. وسعت شهرها و شهرستان های ارائه شده در دایرة المعارف بدون ذکر سال مورد نظر است. با توجه به تغییرات مکرر مرزهای شهرستان ها، ذکر وسعت باید همراه با سال مورد نظر باشد تا بیشتر مورد استفاده قرار گیرد.

۵. به نظر می رسد روش ثابت و مدونی در خصوص ارائه مطالب در خصوص شهرها و شهرستان ها ارائه نگردیده است؛ به نحوی که در برخی از موارد وجه تسمیه مکان ها در بحث آغازین آمده و برخی در بخش تاریخی عنوان شده است.

۶. تعداد ثابت صفحات حدود ۷۶۰ صفحه در هر جلد، چاپ مناسب، صفحه آرایی و همسانی های جلد، قطر، طرح و شکل ظاهری این اثر قابل توجه است؛ هر چند ارزش علمی این اثر گرانسنگ با ظاهر سنجی قابل بحث نیست. نکته دیگر آنکه؛ در صفحه عنوان جلد ۱۴ و ۱۵ ذیل نشانه هشت پر دایرة المعارف بزرگ اسلامی جمله مرکز پژوهش های ایرانی- اسلامی اضافه شده است.

۷. صفحه ۳۴۵ مبحث شهر تاکستان، جمعیت آن در سرشماری ۱۳۷۵، ۵۳۵۹۱ نفر ذکر شده است؛ در صورتی که در نتایج سرشماری ۱۳۷۵ صفحه ۷۹ جمعیت این شهر ۵۴۱۹۲ نفر محاسبه و عنوان گردیده است.

۸. صفحه ۳۴۷ مبحث شهرستان تالش، جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۵۵۷۸۴ نفر ذکر شده است؛ در صورتی که جمعیت این شهرستان در صفحه شصت نتایج سرشماری شده از سوی مرکز آمار ایران ۱۳۶۷۱۰ نفر محاسبه و عنوان شده است.

۹. صفحه ۴۰۱ در مبحث شهر تایباد مرکز شهرستان تایباد در استان خراسان رضوی، جمعیت این شهر بر اساس سرشماری ۱۳۷۵، ۳۸۴۷۹ نفر ذکر شده است؛ در صورتی که در صفحه ۷۷ نتایج سرشماری ۱۳۷۵ جمعیت آن ۳۹۳۰۲ نفر محاسبه و عنوان گردیده است.

۹. صفحه ۲۹۰ عنوان گرفته است. تعداد کل مدخل های عنوان شده در دایرة المعارف جلد ۱۴، ۲۹۰ عنوان است که از این تعداد ۲۰۳ عنوان مورد بحث واقع شده و تعداد ۸۷ مدخل به مدخل های دیگر ارجاع داده شده است.

۱۰. صفحه ۱۱۲ مبحث شهر و شهرستان پیرانشهر، بر خلاف معمول که ابتدا شهرستان مورد بحث واقع می شود و سپس شهر (مرکز شهرستان) مورد بحث قرار می گرفت در شهرستان پیرانشهر، شهر پیرانشهر نیز توضیح داده شده و سپس پیشینه تاریخی شهرستان مورد بحث قرار گرفته است.

۱۰. صفحه ۱۱۲ مبحث شهر و شهرستان پیرانشهر، بر خلاف معمول که ابتدا شهرستان مورد بحث واقع می شود و سپس شهر (مرکز شهرستان) مورد بحث قرار می گرفت در شهرستان پیرانشهر، شهر پیرانشهر نیز توضیح داده شده و سپس پیشینه تاریخی شهرستان مورد بحث قرار گرفته است.

۱۱. در ذکر طول و عرض جغرافیایی شهر پیرانشهر به نقل از فرهنگ آبادی ها و مکان های مذهبی، دکتر پاپلی یزدی ارتفاع از

۱۱. صفحه ۱۱۲ مبحث شهر و شهرستان پیرانشهر، بر خلاف معمول که ابتدا شهرستان مورد بحث واقع می شود و سپس شهر (مرکز شهرستان) مورد بحث قرار می گرفت در شهرستان پیرانشهر، شهر پیرانشهر نیز توضیح داده شده و سپس پیشینه تاریخی شهرستان مورد بحث قرار گرفته است.

۱۲. صفحه ۷۴۶ مبحث شهر تربت جام مرکز شهرستان تربت جام در استان خراسان رضوی، عرض جغرافیایی شهر تربت جام

۱۲. صفحه ۱۱۲ مبحث شهر و شهرستان پیرانشهر، بر خلاف معمول که ابتدا شهرستان مورد بحث واقع می شود و سپس شهر (مرکز شهرستان) مورد بحث قرار می گرفت در شهرستان پیرانشهر، شهر پیرانشهر نیز توضیح داده شده و سپس پیشینه تاریخی شهرستان مورد بحث قرار گرفته است.

۱۳. صفحه ۷۴۶ مبحث شهر تربت جام مرکز شهرستان تربت جام در استان خراسان رضوی، عرض جغرافیایی شهر تربت جام

۱۳. صفحه ۱۱۲ مبحث شهر و شهرستان پیرانشهر، بر خلاف معمول که ابتدا شهرستان مورد بحث واقع می شود و سپس شهر (مرکز شهرستان) مورد بحث قرار می گرفت در شهرستان پیرانشهر، شهر پیرانشهر نیز توضیح داده شده و سپس پیشینه تاریخی شهرستان مورد بحث قرار گرفته است.

۱۴. صفحه ۷۴۶ مبحث شهر تربت جام مرکز شهرستان تربت جام در استان خراسان رضوی، عرض جغرافیایی شهر تربت جام

۱۴. صفحه ۱۱۲ مبحث شهر و شهرستان پیرانشهر، بر خلاف معمول که ابتدا شهرستان مورد بحث واقع می شود و سپس شهر (مرکز شهرستان) مورد بحث قرار می گرفت در شهرستان پیرانشهر، شهر پیرانشهر نیز توضیح داده شده و سپس پیشینه تاریخی شهرستان مورد بحث قرار گرفته است.

منتشر شده توسط سازمان جغرافیایی ارتش جمهوری اسلامی ایران تاریخ تشکیل شهرستان نفت را ۱۶/۱۲/۱۳۴۹ تعیین نموده است. واللّه اعلم.

۴. جمعیت شهر نفت در سال ۱۳۷۵ را ۱۵۱۰۰ نفر آورده است؛ در صورتی که در صفحه ۸۶ نتایج سرشماری ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران جمعیت نفت را ۱۵۱۱۵ نفر محاسبه و عنوان نموده است.

۵. صفحه ۶۷۶ جمعیت شهرستان تفرش در سرشماری ۱۳۸۵، ۴۸۵۹۱ نفر عنوان گردیده است که از این تعداد ۱۸۹۶۷ نفر در نقاط شهری ساکن بوده‌اند. در سرشماری ۱۳۸۵ این شهرستان دارای دو نقطه شهری تفرش و فرمهین بوده است. جمعیت تفرش را مرکز آمار، ۱۳۹۱۴ نفر و فرمهین را ۳۵۶۶ نفر محاسبه و عنوان شده است؛ جمع این دو ۱۷۴۸۰ نفر می‌گردد و عدد ۱۸۹۶۷ نفر عنوان شده در دایرة المعارف، متفاوت از اعداد مرکز آمار ایران است.

۶. جمعیت شهر تفرش در سرشماری ۱۳۸۵ در صفحه ۶۷۷ برابر با ۱۵۳۱۱ نفر عنوان گردیده، در صورتی که در نتایج سرشماری ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران جمعیت تفرش را ۱۳۹۱۴ نفر محاسبه و عنوان نموده است.

منابع

۱. پاپلی یزدی محمدحسین؛ فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور؛ مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

۲. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان یزد، ج ۲، ۱۳۸۱.

۳. مرکز آمار ایران؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵؛ نتایج تفصیلی کل کشور؛ شهریور ۱۳۷۶.

۴. موسوی بجنوردی، سیدکاظم؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵.

۵. میرمحمدی، حمیدرضا؛ «دایرة المعارف بزرگ اسلامی از نگاه آماری»؛ مجله آیند پژوهش، ش ۱۰۳، فروردین-آردیبهشت ۱۳۸۶.

۶. میرمحمدی، حمیدرضا؛ «آمارهای جمعیت شهرهای ایران در دایرة المعارف بزرگ اسلامی»؛ مجله جهان کتاب، ش ۲۲۲ و ۲۲۳، آبان-آذر ۱۳۸۶.

۷. درگاه مرکز آمار ایران WWW.Sci.org.ir

حمیدرضا میرمحمدی

رأبه نقل از فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی، دکتر پاپلی، صفحه ۱۴۲ برابر با ۱۶/۳۵ آورده است؛ در صورتی که دکتر پاپلی یزدی عرض این شهر را ۳۵/۱۵ ذکر نموده است

۱۰. جمعیت شهر تربت جام در سرشماری ۱۳۷۵، ۶۵۱۰۲ نفر ذکر شده است؛ در صورتی که در صفحه ۷۷ نتایج سرشماری ۱۳۷۵ مرکز آمار ایران، جمعیت تربت جام ۶۸۴۸۳ نفر محاسبه و عنوان شده است.

۱۱. صفحه ۷۴۸ مبحث شهرستان تربت حیدریه، جمعیت این شهرستان براساس نامه فرمانداری بدون ذکر سال مورد نظر ۳۲۲۸۷۰ نفر ذکر شده است؛ در صورتی که این شهرستان در سرشماری ۱۳۷۵ صفحه پنجاه نتایج سرشماری ۳۳۹۲۴۰ نفر محاسبه و عنوان شده است.

۱۲. صفحه ۷۳۷ مبحث «ترانسیلوانیا» به واژه «اردل» ارجاع داده شده است که بر اساس آنچه در صفحه ۵۱۰ جلد هفتم دایرة المعارف آمده است، صحیح واژه «اژدل» است که منطقه ای تاریخی در غرب کشور رومانی است.

دایرة المعارف بزرگ اسلامی جلد پانزدهم، زیر نظر سیدکاظم موسوی بجنوردی، ج ۱. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، شمارگان ۱۰/۰۰۰ نسخه.

در جلد پانزدهم دایرة المعارف از مدخلهای «تربیت تا تفسیر نعمانی» مورد بحث قرار گرفته است. تعداد کل مدخلهای عنوان شده ۱۵۸ مدخل است که از این تعداد ۳۸ عنوان به مدخلهای دیگر ارجاع داده شده و ۱۲۰ مدخل مورد بحث واقع شده است.

۱. در این اثر، دو شهر و شهرستان به نامهای نفت در استان یزد و تفرش در استان مرکزی مورد بحث قرار گرفته است. در شهرستان نفت آخرین آمار مورد بحث، مربوط به سرشماری عمومی ۱۳۷۵ و در شهرستان تفرش آخرین آمار مربوط به سال ۱۳۸۵ است. سال انتشار دایرة المعارف ۱۳۸۷ یعنی دو سال پس از انجام سرشماری ۱۳۸۵ می‌باشد و آمار شهرستان نفت مربوط به دوازده سال قبل از آن است!

۲. صفحه ۶۶۴ مبحث شهرستان نفت در استان یزد، جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۷۵ را ۵۶۶۰۰ تن ذکر نموده، در صورتی که در صفحه هفتاد نتایج سرشماری ۱۳۷۵ جمعیت این شهرستان ۵۶۶۰۳ نفر محاسبه و عنوان گردیده است.

۳. در همین صفحه (۶۶۴) با استناد به نامه فرمانداری زمان ارتقای بخش پشتکوه با مرکزیت شهر نفت به شهرستان را ۱۳۴۸/۷/۱۶ آورده است؛ در صورتی که در فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان یزد، جلد دوم، شهرستان نفت در صفحه ۲۱،

تاریخ و نقد وهابیت: ترجمه کشف الارتیاب، تألیف علامه سید محسن امین؛ ترجمه حاج شیخ علی اکبر فالزی پور تهرانی، ج ۱، قم: مطبوعات دینی، ۱۳۸۷، ۶۹۶ ص.

تاریخ و نقد وهابیت

ترجمه کشف الارتیاب

علامه سید محسن امین

ترجمه

حاج شیخ علی اکبر فالزی پور تهرانی

قم

۱۳۸۷

فصل اول در بیان شفاعت است؛ فصل دوم در خواندن غیر خداوند و طلب دادرسی و یاری نمودن به غیر خدا و خواستن حاجت غیر از خدا؛ فصل سوم در توسل به سوی خداوند به وسیله انبیا و صالحین؛ فصل چهارم در سوگند دادن خدا به مخلوقش و یا به حق مخلوقش؛ فصل پنجم در سوگند خوردن به غیر خداوند؛ فصل ششم در تعبیر از غیر خداوند به سید و مولی و مانند آن؛ فصل هفتم در نحر نمودن شتر و ذبح گوسفند و گاو؛ فصل هشتم در نذر نمودن برای غیر خدا؛ فصل نهم در ساختن قبرها و ساختمان روی قبرها و قرار دادن گنبد و صندوق روی قبرها؛ فصل دهم در نوشتن روی قبرهاست.

فصل یازدهم در قرار دادن قبور را مساجد و مساجد را قبور؛ فصل دوازدهم در روشن نمودن چراغ روی قبور؛ فصل سیزدهم در خواندن دعا و نماز کنار قبر شریف پیامبر اکرم (ص) و توجه نمودن به سوی قبر شریف هنگام دعا؛ فصل چهاردهم در عظمت دادن قبور و اصحاب قبور و تبرک جستن به کارهایی که دلیل بر حرمت آن وارد نشده مانند دست کشیدن و بوسیدن آن و ...؛ فصل پانزدهم در قرار دادن خدمتکار و دربان برای قبور انبیا و اولیا و قرار دادن کنار قبور برای برگزاری اعیاد؛ فصل شانزدهم در زینت دادن مشرفه با طلا و نقره و پارچه های قیمتی و مانند آن.

فصل هفدهم درباره زیارت قبور است. این فصل به دو قسمت تقسیم شده است: یکی درباره مشروع بودن زیارت قبر پیغمبر اکرم (ص) و دوم درباره زیارت قبور دیگران.

بخش پایانی کتاب به بیان بعضی مطالب فوت شده اختصاص یافته است. آنچه کارایی کتاب فوق را دو چندان نموده است، فهرست های پایانی کتاب است که در چهار بخش فهرست اعلام، فهرست کتب، فهرست مذاهب، فرق و طوایف و فهرست اماکن ترتیب یافته است.

بر اساس آنچه در مقدمه این اثر آمده است، مذهب وهابی منسوب به محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان بن علی تمیمی نجدی است که این نسبت از پدر از عبدالوهاب گرفته شده است، اما وهابیان این نسبت را قبول ندارند و می گویند نام وهابی را دشمنان وهابیان به آنان اطلاق کرده اند و درست این است که ایشان را محمدیه (در نسبت به شیخ محمد) بنامند؛ اما باید دانست که شیخ محمد مبتکر و به وجود آورنده عقاید وهابیان نیست، بلکه قرن ها قبل از او این عقاید یا قسمتی از آنها به صورت های گوناگون اظهار شده بود، اما به صورت مذهب تازه ای در نیامده بود. وهابیان خود مذهب وهابی را مذهب تازه ای نمی دانند، بلکه می گویند این مذهب سلف صالح است

کتاب فوق در سال ۱۳۵۶ در قطع جیبی در شش مجله تحت عنوان «ترجمه کشف الارتیاب» منتشر شده بود و اکنون در یک مجلد تحت عنوان تاریخ و نقد وهابیت منتشر شده است.

۳۲ صفحه ابتدای کتاب به مقدمه ناشر، مترجم و مؤلف اختصاص یافته و متن کتاب به سه بخش تفکیک شده است.

بخش اول شامل چهار فصل است: فصل اول در تاریخ وهابیت، فصل دوم در جنگ های شریف غالب با وهابی ها و جنگ های وهابی ها با اهل عراق، طائف و حمله وهابی ها به سوریه، فصل سوم شامل جنگ محمدعلی پاشا با وهابی ها و صلح وهابی ها با طرسون پاشا و فصل چهارم در بیان حمله وهابی ها در حجاز، اردن، تخریب گنبدها و زیارتگاه های حجاز در سال ۱۳۴۳ و حمله وهابی ها به عراق است.

بخش دوم کتاب به بیان هجده امر اختصاص یافته که در رد شبهات وهابیت به این امور توقف دارد.

بخش سوم شامل سه قسمت است: قسمت اول به بیان شباهت سیزده گانه خوارج با وهابی ها اختصاص یافته است و سپس مابقی بخش سوم به دو باب اختصاص یافته است: باب اول شامل چهار مطلب است مطلب اول به عقیده وهابی ها راجع به اجتهاد، مطلب دوم اعتقاد وهابی ها درباره خداوند و صفات او، مطلب سوم عقیده وهابی ها درباره پیامبر و قبور آنان و مطلب چهارم به اعتقاد وهابی ها درباره همه مسلمانان اختصاص دارد.

باب دوم به بیان اعتقادات وهابی ها - که به سبب آن مسلمانان را کافر دانسته اند - اختصاص یافته است. باب سوم به تفضیل اموری می پردازد که وهابی ها توسط آنها مسلمانان را کافر دانسته اند و پاسخ هریک از آنها در فصل های جداگانه (۱۷ فصل) بیان شده است.

بهترین کتب در تاریخ وهابیت، مفاسد و جنایات و خرابکاری، مراسم و مسلک آنها و جواب آنان است.

با همه ویژگی های کتاب حاضر، ذکر دو نکته درباره آن لازم است: اول آنکه سال ها از وفات مترجم کتاب مرحوم فائزی پور تهرانی می گذرد و بنابراین انتشار شرح مختصری از زندگانی وی در مقدمه آن هم به نقل از گنجینه دانشمندان چندان مناسب نیست؛ به ویژه که ناشر محترم از نزدیکان ایشان است؛ بنابراین تهیه یک شرح زندگانی در خور شأن مترجم و افزودن مواردی به گنجینه دانشمندان یا حداقل تاریخ وفات ایشان لازم و ضروری بود. نکته دیگر اینکه: تصاویر مرحوم علامه امین و مرحوم فائزی پور تهرانی در جلد اول مجموعه فوق در سال ۱۳۵۶ درج گردیده بود که این تصاویر در چاپ جدید حذف شده است.

حمیدرضا میرمحمدی

میر حکمت، در بیان احوال، آثار و آرای حکیم ابوالقاسم فندرسکی، حسین کلباسی اشتری، ج ۱، تهران: فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۷، ص ۹۲، ر.ق.م.



سید ابوالقاسم بن میرزا بیک حسینی موسوی، مشهور به میر فندرسکی در حدود سال ۹۷۰ هجری قمری در فندرسک از توابع استرآباد پا به جهان نهاد. وی در فندرسک برآمد و به تحصیلات معمول زمان پرداخت؛ سپس به اصفهان، پایتخت صفویان مهاجرت کرد. او بارها به هندوستان رفت تا با دانشمندان آن خطه نیز آشنا شود؛ عارفان و حکمرانان هند در این سفرها، از او استقبال کم نظیری کردند.

از شاگردان مکتب او می توان به محقق سبزواری، میرزا رفیعای نایینی، ملا محمد صادق اردستانی و آقا حسین خوانساری اشاره کرد. از مهم ترین آثار او باید به قصیده پایینه و رساله صنایعیه اشاره کرد.

آن دانشمند جامع اصول و فروع، در سال ۱۰۵۰ قمری به

و از این رو خود را سلفیه می نامند.

در قرن چهارم عالم معروف حنبلی، ابو محمد بر بهاری زیارت قبور را منع کرد که این امر از طرف خلیفه عباسی به سختی مورد انکار قرار گرفت.

از دیگر اسلاف وهابیان، عبدالله بن محمد حکبری از علمای معروف به ابن بطه متوفای سال ۳۸۷ ق است که زیارت و شفاعت پیامبر (ص) را انکار کرد و همچنین ابن تیمیّه از بزرگ ترین علمای حنبلی در قرن هفتم و هشتم که محمد بن عبدالوهاب اهم عقاید خود را از او گرفته است.

در میان کتبی که تاکنون در خصوص وهابیت به رشته تحریر درآمده است، شاید بتوان گفت کتاب کشف الازقیاب مرحوم سید محسن امین از این جهت که در خصوص تاریخ وهابیت و سیر تاریخی اقدامات آن است، از یک سو و از سوی دیگر شبهات مطرح شده توسط ایشان به مذهب شیعه و پاسخ های بسیار مستدل و تحقیقی که مرحوم امین بدان ها داده است و بی اساس بودن نظر وهابی ها را ثابت نموده، شده است این اثر در بین کلیه آثار منتشر شده در خصوص وهابیت دارای امتیاز ویژه باشد.

بر اساس آنچه در صفحه ۲۵ کتاب آمده است، مرحوم امین پس از اتمام تحصیلات خود در نجف اشرف و بازگشت به سوریه و لبنان دریافت که درد شیعه تنها جهل و فقر است؛ از این رو با این دو عامل به مبارزه برخاست و جامعه خود را برای مقامی که شایسته آن بود، مهیا ساخت و در کشور خویش با سمت مرجعیت عامه دارای موقعیتی خطیر گشت و دانست چگونه آن موقعیت را در خدمت به خلق و اصلاح جامعه خود به کار اندازد. مرحوم امین عقیده داشت: باید در راه آشنا ساختن توده های مردم به فرهنگ و تعلیمات صحیح دین اسلام گام هایی برداشته شود و این اقدام فقط از راه برانداختن خرافات و موهوماتی محقق می شود که مردم آنها را جزء دین می پندارند؛ در صورتی که به هیچ روی ارتباطی با دین ندارند. وی عقیده داشت: بهترین راه از بین بردن موهومات تربیت کردن صحیح خطبا و وعاظ است؛ از این رو دسته ای از جوانان را تربیت کرد و آنان را بر سر منابر حسینیّه ها فرستاد تا مردم را ارشاد نموده، آنان را به حقیقت و کنه دین آشنا سازند و از ظاهر پرستی به دور دارند.

زحمات طاقت فرسای وی طی سالیان دراز تحت عنوان مجموعه بزرگ «ایمان الشیعه» به بار نشست و از افتخارات جهان تشیع گردید؛ همچنان که خود مرحوم امین از اجلای علمای امامیه و مفاخر شیعه اثنی عشریه بوده و هست. به گفته مرحوم شریف رازی در گنجینه دانشمندان، کتاب کشف الازقیاب از

جهان باقی شتافت و هنوز آن ناحیه از تخت پولاد اصفهان که به دستور شاه صفی برای آرامگاه ابدی اش مهیا شده بود، با نام تکیه «میر» مشهور، و مطاف اهل نظر است.

درباره جناب میر، مطالب بسیار اندک و مختصری در تذکره‌ها و منابع رجالی موجود است. فقر اسناد تا بدان جا است که حتی درباره مقاطع زندگانی میر نیز تاریخ دقیقی در دست ما نیست؛ نه تاریخ تولد، نه تاریخ مهاجرت و نه تاریخ آغاز تلمذ در مکتبی. اگر از افرادی به آن جهت که به هر حال - منصبی رسمی بر عهده داشته‌اند، چند تاریخ مخدوش موجود است، با این حال ولی درباره میرفندرسکی اطلاع چندانی در دست نداریم؛ تا به آن جا که زمان تولد او را نیز باید به تقریب به دست آورد. این از کارنامه گذشته است؛ اما خوشبختانه در سال‌های اخیر، آثاری در قالب مقاله درباره زندگی و آثار میرفندرسکی به چاپ رسیده است که از آن جمله «کتاب‌شناسی احوال و آثار میرفندرسکی» در دو ماه نامه آینه پژوهش می‌باشد. آثار میر نیز اندک اندک تصحیح شده و منتشر گشته است.

همایش «دو حکیم استرآباد» که به پاس بزرگداشت میرفندرسکی و میرداماد برپا شد، محصول درخور ستایشی با نام جستاری در آراه و افکار میرداماد و میرفندرسکی تولید کرد؛ همچنین راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی نخستین اثری است که کاملاً به جناب میر می‌پردازد. اکنون کتاب میر حکمت با استفاده از این دو کتاب به مناسبت گردهم آیی مکتب اصفهان به نگارش درآمده و منتشر شده است (ص ۱۰).

نگارنده در عنوان‌های ولادت، نام، نسب و القاب، دوران کودکی، تحصیلات، مهاجرت به اصفهان، عزیمت به هند، استادان، شاگردان، معاصران، وفات و آرامگاه، بازماندگان، خصوصیات و کمالات میر، آثار و مکتوبات، مشرب فکری و سلوک علمی به پیگیری احوال و آثار میرفندرسکی پرداخته است. با وجود زحماتی که نگارنده کتاب حاضر برای تدوین اثر خود کشیده است، با این حال، مطالب منقول در منابع پیشین دوباره تکرار شده و اثر حاضر، خلایق را که در زندگی میرفندرسکی دیده می‌شود، پر نکرده است.

مطالب برداشت شده از منابع رجالی، به قدر کافی تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی نشده است و به صورت خام عرضه گشته، تا جایی که می‌توان گفت: در مواردی، فیش برداری صرف انجام پذیرفته و در نتیجه، مطالب با یکدیگر ارتباط چندانی ندارند.

از نگارنده کتاب - که از مدرسان فلسفه در دانشگاه است - این انتظار وجود داشت که به صورت ویژه به آرای فلسفی جناب میر پردازد و آموزه‌های میرفندرسکی در عرصه فلسفه و

آبشخورهای فکری او را بازنمایاند، نه آنکه به سرگذشت نگاری صرف روی آورد.

کتاب با کاغذ فانتزی و بسیار ضخیم چاپ شده که شایسته و برازنده یک کتاب علمی نیست و قیمت پشت جلد را نیز افزایش داده است؛ این نوع کاغذ برای کتاب‌های هنری و شعر نو معمول است.

فهرست اعلام برای کتاب در نظر گرفته نشده است؛ در حالی که همین فهرست می‌توانست حجم کتاب و تعداد صفحات را به حد قابل قبولی برساند.

اشتباه در نام آثار، ناهماهنگی‌ها، شیوه متفاوت نگارش و دستور زبان و قرائن دیگر، نشان می‌دهد نگارنده محترم، منابع را ندیده است و نقل قول غیر مستقیم کرده است که از این طریق، ارزش کار خود را بسیار پایین آورده است.

در بیشتر جاها، عین الفاظ منابع را بدون استفاده از گیومه آورده است؛ به گونه‌ای که خواننده گمان می‌کند تنها مضمون از منابع نقل شده است؛ در حالی که الفاظ نیز از صاحبان منابع است و تحریر صاحب کتاب حاضر، به شمار نمی‌رود.

در پانوشت‌ها منابعی که «عین» یک گزارش را آورده‌اند، با آنهایی که «مثل» آن گزارش را درج کرده‌اند، بدون تفکیک آمده‌اند.

در فهرست منابع، وقتی از مقاله‌ای به عنوان منبع استفاده کرده، گاه نام مقاله و گاه تنها نام نشریه را بدون نام مقاله و نام نویسنده آن آورده است.

در پابرجاها گاه از مقالات نام برده و گاه به نام مجموعه مقالات و یا نام نشریات اشاره کرده است.

نام مقالات بدون تفاوت با نام کتاب‌ها بدون قرار گرفتن در گیومه آمده است.

ارجاع به منابع در پابرجاها به نام کتاب و در فهرست منابع بر اساس الفبایی نام پدیدآورندگان است!

گاهی منابعی در فهرست منابع دیده می‌شود که هیچ ارجاهی به آنها نشده و در متن، مورد استفاده قرار نگرفته است.

اثر به طور کلی به دایرةالمعارف بزرگ اسلامی ارجاع داده است، ولی نام دکتر فتح‌الله مجتبیایی نویسنده مقاله «میرفندرسکی» در این دایرةالمعارف را نیاورده، در حالی که از این منبع بسیار سود جسته است.

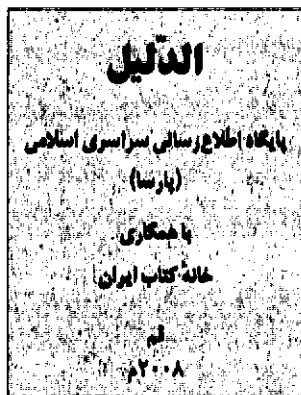
دفتر عقل که مجموعه مقالات یک تن است را در میان مجموعه مقالات پدیدآمده توسط گروه نویسندگان آورده است (ص ۹۶).

نویسنده احتمال داده سیدمحمد فندرسکی مربوط به قرن

- «سماک» به جای سماکی (ص ۱۴)؛
- «فصل نامه آینه پژوهش» به جای دو ماهنامه آینه پژوهش (صص ۶۱ و ۹۵)؛
- «میر آخوندی» به جای میر آخوری (ص ۹۴)؛
- «الامیه» به جای الامامیه (ص ۹۴)؛
- «مجمع الفصا» به جای مجمع الفصحا (ص ۹۵)؛
- «محمودی، مجتبی» به جای محمودی، محمدباقر (ص ۹۴).

محمدرضا زاهدی

الدلیل؛ پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا) با همکاری خانه کتاب ایران، قم؛ مؤسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع، چاپ اول، ۲۰۰۸ م، ۷۸۶ ص.



پژوهشگران مؤسسه پارسا، به صورت تخصصی، به چکیده نویسی کتاب های اسلامی منتشر شده در ایران می پردازند. چکیده کتاب های هر فصل در فصلنامه کتاب های اسلامی به چاپ می رسد. در آغاز کار، قرار بر این بود که این فصلنامه به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی به چاپ برسد. مشکلات بسیار، کار را متوقف کرد؛ ولی خوشبختانه چاپ فصلنامه به زبان فارسی، ادامه یافت.

از آنجا که آثار اسلامی، مشتاقان بسیاری در میان عرب زبانان دارد، پس از چندی، چکیده های یکساله فصلنامه به زبان عربی ترجمه شد و با عنوان الدلیل به چاپ رسید؛ به سخن دیگر، چهار شماره فارسی در قالب یک جلد کتاب ترجمه شد و انتشار یافت. این کار، از سال ۲۰۰۵ م تا کنون، با حمایت های خانه کتاب ایران به انجام رسیده و همراه با لوح فشرده، در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

شبهه نامه الدلیل در این سال ها چنین بوده است: کتاب های منتشر شده در این سال که دارای حداقل سطح علمیت باشد و در

سیزده و چهارده، توانسته است محضر میرفندرسکی را در کتد (ص ۴۸)؛ در حالی که او با سال فوت میرفندرسکی ۱۵۰ سالی فاصله دارد!

میرفندرسکی در حجره مشرق الشمسین تحصیل کرده است نه در «مشرق الشمس» (ص ۲۵).

در صفحه ۳۱ یک مطلب بدون ذکر مأخذ دیده می شود: «مناطق که میر در جریان سفرهای خود به هند از آنها بازدید کرده، عبارت اند از: بنارس، گجرات، دکن، جبال هیمالیا و به ویژه کشمیر که مردم آن احترام فوق العاده ای برای میر قائل بوده و سخت بدو اعتقاد داشته اند؛ به گونه ای که هنگام اقامت میر در اصفهان، گروهی از مردمان کشمیر برای دیدار او به ایران رفت و آمد می کرده اند».

در صفحه ۳۷ محمدباقر سبزواری خراسانی را به عنوان شاگرد میر می نمایاند و سپس در صفحه ۴۰ می گوید: تراجم و تذکره ها به عنوان شاگرد میر از او یاد نکرده اند!

در صفحه ۴۶ آشفنگی زیادی دیده می شود: مضمون کلام این است که میرفندرسک کتاب هایش را به کتابخانه جدش صدرالدین که به شاه عباس پیوسته بود سپرد و صدرالدین فرزندی به نام میرزا بیک داشت که به خدمت شاه عباس رسید!

مؤلف بنای تکیه میر و شهرت آن را از دوره قاجار می داند (ص ۴۴)، در حالی که در منابع چنین نیامده و اگر هم چنین بود، مؤلف می توانست با بررسی سبک معماری تکیه، به آسانی به این مطلب برسد که بنای اصلی تکیه از دوره صفویه است. مطلب نقل شده را تذکره عرفات العاشقین نوشته است نه کاروان هند (ص ۵۱).

مؤلف آورده است که رساله صنایع در تهران در ۱۳۱۷ چاپ شده و در مشهد نیز بدون تاریخ منتشر شده است (ص ۵۴). درست آن است که در تهران چاپ نشده و چاپ مشهد، تاریخ ۱۳۱۷ را بر خود دارد.

آورده است که از قصیده پاییه سه نسخه خطی موجود است (ص ۵۸)، در حالی که بیش از بیست نسخه خطی از آن شناسایی شده است.

مؤلف اثر را به گونه ای نگاشته که گویی رساله صنایع تنها یک بار به چاپ رسیده است (ص ۷۶)، در حالی که چندین بار انتشار یافته است.

سیدمحمدفندرسکی از بازماندگان میرفندرسکی در اوایل سده چهاردهم زندگی می کرده، نه سده چهارم (ص ۴۸). اشتباهات دیگر بدین قرار است: پی نوشت به جای پانوش (ص ۱۱)؛

یکی از موضوعات اسلامی نگارش یافته باشد.

دامنه کار بر این ویژگی‌ها استوار شده است:

۱. در سال پیش به صورت کتاب منتشر شده باشد؛ بنابراین، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها در دستور کار قرار نمی‌گیرد.
۲. هر منبع دارای سطح متوسطی از علمیت باشد؛ یعنی این منابع برای پژوهشگران، در سطح مقدماتی، قابل استفاده باشد؛ بنابراین کتاب‌های کودکان، مجموعه‌های ادعیه، تعبیر خواب و مانند اینها، از دستور کار خارج است.
۳. به یکی از موضوعات اسلامی و جهان اسلام پرداخته باشد؛ برای ملاک اسلامی بودن، محورهای زیر، مبنای عمل قرار گرفته است:

الف) همه آثار مربوط به علوم اسلامی؛ مثل فقه و اصول، رجال و درایه، حدیث، علوم قرآن و تفسیر، کلام و ...

ب) تاریخ اسلام و همه زیرشاخه‌های آن؛ تاریخ حرکت‌های اسلامی، تاریخ دولت‌های مسلمان مانند صفویه و قاجاریه در ایران و عثمانی‌ها در ترکیه؛ به شرطی که جنبه‌های اسلامی آن مدنظر باشد.

ج) جغرافیای مذهبی؛ مانند مراکز آموزشی و فرهنگی، علمی، مشاهد متبرکه، مسجدها، امامزاده‌ها و شهرهای مقدس.

د) قوانین و حقوق جاری کشورهای اسلامی که با شریعت اسلام مطابقت داشته، یا از آن اثر پذیرفته باشند.

ه) ادبیات عرب به عنوان مقدمه و پیش‌نیاز برای فهم ادبیات اسلامی، ادبیات عرب جاهلی و ادبیات مربوط به دیگر زبان‌ها با لحاظ مبانی اسلامی.

و) جامعه‌شناسی اسلامی، وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی و آنچه به سرنوشت مسلمانان ارتباط می‌یابد.

ز) فلسفه و نیز کلام جدید و شاخه‌های آنها.

ح) آثار دانشمندان مسلمان که تا پیش از اختراع صنعت چاپ نوشته شده و به عنوان میراث فرهنگ اسلامی شناخته می‌شوند؛ مانند منابع نجوم اسلامی، هیأت و ریاضیات.

ط) منابعی که مشتمل بر مباحث روانشناسی و علوم تربیتی، اخلاق، هنر و ... در حوزه مسائل اسلامی باشد.

از ویژگی‌های این اثر، بهره‌گیری از روش‌های بنیادی برای گردآوری اطلاعات بوده است؛ برای مآخذشناسی و چکیده‌نگاری، به هیچ فهرستی مراجعه نشده است. هر کتابی که ملاک‌های پیش‌گفته را دارا بوده، در دسترس قرار داشته، فیش برداری شده است.

از اعمال سلیقه و برخورد گزینشی با آثار، دوری شده

است؛ البته منابعی که به نقد و ردّ کل مبانی اسلام و تشیع پرداخته‌اند، از دایره کار خارج شده است؛ مگر اینکه نقد و تحلیل آن منبع، در داخل خود آن اثر صورت گرفته باشد.

هر واحد اطلاعاتی کتاب، با یک شماره پیاپی مشخص می‌شود و شامل سه بخش اصلی است: مآخذشناسی، نمایه موضوعی و چکیده.

اطلاعات مآخذشناختی هر مدخل، شامل پدیدآورنده، عنوان، دستیار پدیدآورنده، مشخصات، ارتباطات محتوایی، کدها و ملاحظات است.

تقسیم‌بندی محتوایی بر اساس شاخه‌های اصلی و فرعی موضوعات صورت گرفته است که از اخلاق آغاز می‌شود و به هنر پایان می‌یابد.

چینش مدخل‌ها بر اساس حروف الفبایی نام «پدیدآورنده» و پس از آن، مطابق ترتیب الفبایی «عنوان»، شکل گرفته است.

همه منابعی که فرایند مآخذشناسی در مورد آنها انجام پذیرفته است، با بهره‌گیری از زبان کنترل شده، نمایه‌سازی شده‌اند.

گفتنی است تاکنون اصطلاحنامه‌ای جامع از کلیه علوم اسلامی و ساختارهای درختی آن ارائه نشده است، و کارهایی که در این باره انجام شده، بیشتر برای استفاده در کتابخانه‌ها تدوین یافته است.

در طراحی این سیستم، سعی شده است از مباحث تئوریک صرف، پرهیز شود و اصطلاحات رایج و شایع در منابع اسلامی مورد استناد قرار گیرد؛ بدین لحاظ، نمایه‌ها هیچ‌گاه ثابت نخواهند بود و همزمان با پیشرفت و پویایی علوم و اصطلاحات آن حرکت خواهند کرد.

اصل اصطلاح‌سازی و نمایه‌زنی، در واقع برای طبقه‌بندی و جست‌وجوهای موضوعی نرم‌افزاری به کار می‌آید؛ در عین حال برای شناسایی موضوعی منابع، نمایه‌هایی مختصر برای هر منبع فراهم آمده است و در پایان کتاب، فهرست الفبایی نمایه‌های موضوعی، همراه شماره‌های مربوط، به نمایش گذاشته شده است.

تقسیم‌بندی کتاب نیز بر اساس شاخه‌های اصلی اصطلاح‌نامه انجام گرفته است که عبارت‌اند از: اخلاق، ادبیات، ادیان و فرق، اقتصاد، پیامبر و اهل بیت (ع)، تاریخ و جغرافی، جامعه‌شناسی، حدیث، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی، عرفان و تصوف، علوم سیاسی، علوم طبیعی و ریاضی، فقه و اصول، فلسفه و منطق، قرآن و علوم قرآنی، کلام، مرجع و هنر.

تعداد کلمات چکیده‌ها از ۲۵۰ کلمه تجاوز نمی‌کند.

وقف را پشتوانه اقتصاد ملی و اسلامی خود می دانند و از آن برای تأمین آسایش قشر محروم جامعه و توسعه مساجد و حمایت از مبلغان و گسترش آموزش های دینی بهره می گیرند.

بهترین نمود کار اقتصادی فرهنگی و نهاد مستمر و مورد توجه تمام آحاد مردم در کشورهای اسلامی، وقف است.

ویژگی دیگر وقف، تأثیرگذاری آن بر فرهنگ، هنر و میراث فرهنگی است. با مطالعه در تاریخ هنر اسلامی، شاهد آثار فراوان هنری در کنار اماکن موقوفه هستیم و با کاوش در متون ادبی، یادداشت های متعدد وقفی را می یابیم که واقفان هر عصر، متأثر از ادبیات همان دوره به نگارش درآورده اند. گسترش این فرهنگ و ترویج آن نیز دغدغه فرهیختگان و پژوهشگران است که با نگارش کتاب ها و مقالات، آن را به عنوان میراث ماندگار و جاویدان، به نسل آینده انتقال دهند. نگهداری این مجموعه علمی و فرهنگی و توسعه کمی و کیفی آن ضرورتی است که مورد توجه برخی از دستداران دانش دینی و محققان عالی مقام علوم اسلامی قرار گرفته است و تلاش هایی در حفظ این میراث فرهنگی کرده اند. از جمله این تلاش ها انتشار فصلنامه وقف، میراث جاویدان است. کتاب شناسی وقف اثر محمدحسین بکایی که در سال ۱۳۷۱ انتشار یافت، از جمله کوشش های پژوهشگران ایرانی در جهت شناخت مآخذ در زمینه وقف به شمار می رود؛ ولی کتاب شناسی جامعی برای موضوع وقف، موقوفات و واقفان تهیه نشده بود و جای خالی آن، حس می شد.

مجموعه پیش روی ما، آثار منتشر شده مربوط به وقف، از منابع شیعه و اهل سنت در کشورهای مختلف شامل ۱۸۲۵ منبع را شناسایی و زیر این موضوعات، معرفی کرده است: تاریخ وقف، وقفنامه ها، نسخه های خطی مربوط به وقف، اهل بیت و وقف، مراکز، وقف در جوامع اسلامی، وقف در قرآن و احادیث، معرفی مساجد، حسینیه ها، مقابر امامزادگان و شخصیت های مذهبی، تکایا، مدارس و محل های وقفی؛ قوانین و مقررات وقف در ایران و کشورهای اسلامی، احکام فقهی وقف، رابطه وقف با فرهنگ و هنر اسلامی به ویژه معماری؛ وقف از دیدگاه اهل سنت، دیدگاه های شخصیت ها درباره وقف، معرفی مراکز و سایت های مرتبط با اوقاف و ترویج فرهنگ وقف، گزارش کنگره ها و همایش ها، کتاب شناسی ها.

شیوه تنظیم اطلاعات کتاب به صورت موضوعی - الفبایی است. ابتدا بر اساس موضوع، سپس نام پدیدآورنده و سپس عنوان.

گزینش این تعداد کلمات برای چکیده های موجود، برای صرفه جویی در وقت به عنوان مهم ترین هدف چکیده نویسی صورت گرفته است.

درست است که چکیده هر اندازه طولانی تر باشد، اطلاعات بیشتر و جزئی تری در اختیار پژوهشگر قرار می دهد، ولی به همان نسبت نیز او را از دستیابی به منابع دیگر بازمی دارد و زمان بیشتری را از وی می گیرد. این امر با هدف عمده دیگر چکیده که دستیابی به بیشترین اطلاعات در کمترین فرصت است، منافات دارد.

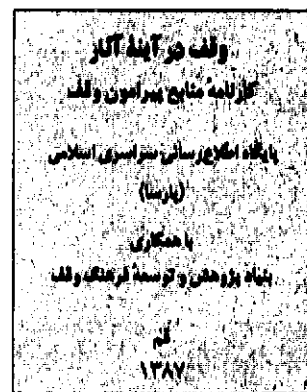
سرانجام پنج فهرست بر اساس حروف الفبا تنظیم و ضمیمه شده است که با مراجعه به آنها می توان به صورتی روشمند، از اطلاعات کتاب ها و منابع، استفاده کرد. این فهرست ها عبارت اند از: الفبایی موضوعات، عنوان کتاب های فارسی، عنوان کتاب های عربی، پدیدآورندگان و ناشران.

در فهرستواره پدیدآورندگان، پس از ذکر نام هر پدیدآورنده، شماره های همه آثار او ذکر شده است تا بتوان تمام آثار یک پدیدآورنده را یک جا پیدا کرد. در این فهرست، تمامی پدیدآورندگان، فارغ از نقششان آورده شده اند؛ نیز ارجاعات سودمندی برای نام ها در دسترس قرار گرفته است.

محمدرضا زاهدوش



وقف در آینه آثار: کارنامه منابع پیرامون وقف پایگاه اطلاع رسانی مراسم اسلامی (پارمسا) با همکاری بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف: قم: مؤسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع، چاپ اول، ۱۳۸۷، وزیری، ۴۹۹ ص.



وقف یکی از نهادهای برجسته اجتماعی به شمار می رود که در ایران، سابقه ای بس دیرینه دارد و اسلام نیز همواره بر آن تأکید ورزیده است. مهم ترین ویژگی وقف نسبت به دیگر تعالیم مذهبی؛ فراگیری و عمومیت آن است؛ چراکه همه مذاهب،

هر واحد اطلاعاتی، شامل دو بخش مآخذشناسی و چکیده است.

اطلاعات مآخذشناسی، شامل پدیدآورنده، عنوان، مشخصات، ارتباطات محتوایی، کدها و ملاحظات می‌شود. نقش‌های مختلفی که برای پدیدآورنده مورد توجه قرار گرفته است، عبارت‌اند از: نویسنده، مترجم، منتقد و توصیف‌کننده، مناظره‌کننده، مصاحبه‌شونده، محشی و شارح، کوشنده (به کوشش)، مصحح و محقق، خلاصه‌کننده، تهیه و تنظیم‌کننده، استاد راهنما و استاد مشاور. از میان این تعداد، چهار نقش اصلی شامل نویسنده، منتقد و توصیف‌کننده، مصاحبه‌شونده و به کوشش (در موارد خاص) در سرشناسه و پیش از عنوان اثر ذکر شده‌اند و از باقی پدیدآورندگان که کمک پدیدآورنده به شمار می‌آیند، پس از عنوان یاد می‌شود.

پس از سرشناسه، عنوان قرار می‌گیرد و چنان‌که اثری عنوان فرعی هم داشته باشد، پس از عنوان اصلی می‌آید.

صفحه‌عنوان ملاک قرار گرفته، تفاوت آن با روی جلد، در ملاحظات ذکر شده است.

عنوان منابع انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به فارسی ترجمه شده و در عنوان اصلی آمده است و عنوان لاتین آنها جداگانه ذکر شده است.

پس از ذکر کمک پدیدآورندگان، مشخصات کتاب شناختی یک اثر ذکر می‌شود که شامل تعداد و شماره جلد، محل نشر، ناشر، تعداد صفحه، زبان، شمارگان (تیراژ)، نوبت چاپ، قطع، نوع جلد و بهای آن است. آن‌گاه نوبت به فهرس، منابع، کتابنامه، عکس و نمودار می‌رسد.

در مقالات نشریات، پس از عنوان مقاله، نام مجله و سپس شماره پیاپی آن آمده است. مشخصات کامل مجله و زمان دقیق چاپ مقاله، در فهرست پایانی آمده است.

در پایان‌نامه‌ها، نام دانشگاه و دانشکده، پس از عنوان کمک پدیدآورندگان می‌آید. در مقالات مجموعه، عنوان مجموعه‌ای که مقاله معرفی شده در آن به چاپ رسیده، پس از عنوان مقاله آمده است؛ البته در مواردی که اصل مجموعه مربوط به وقف بوده و به صورت مدخل جداگانه ذکر شده، شماره آن مدخل پس از عنوان مجموعه آمده است و چنان‌که مجموعه مربوط به وقف نبوده، مشخصات آن در ملاحظات ذکر شده است.

به محل نگهداری، یعنی محلی که منابع در آن جا فیش برداری شده، اشاره شده است و این از جهت دستیابی محققان به منابع کمیاب بوده است.

عنوان اصلی متن مبدأ در ترجمه، نقد و توصیف، شرح و تصحیح و... در بخش ارتباطات محتوایی ذکر می‌شود. برای این منظور از عبارت «عنوان متن شرح شده» یا «نقدشده» استفاده شده است؛ همچنین مدخل‌های وابسته به هر یک از منابع (در صورت آمدن در این کتاب) با عنوان «آثار پیرامون این اثر» مشخص شده‌اند.

مستونی که از ویژگی پژوهشی و علمی بالاتری برخوردار بوده‌اند، چکیده شده‌اند. در مجموع برای نیمی از منابع، چکیده تهیه شده است. چکیده‌های این کتاب شناسی، از نوع توصیفی و گاه توصیفی-تشریحی است. تعداد کلمات چکیده‌ها از دوست کلمه تجاوز نمی‌کند.

خوشبختانه از هر نوع نقد و نظر و ارزش‌داوری درباره متن چکیده شده، خودداری و خوب و بد آن به خواننده واگذار شده است.

تمام موضوعات مهمی که به صورت جانبی در متن اثر، مورد بحث قرار گرفته‌اند، از طریق کلیدواژه به پژوهشگر معرفی شده‌اند. تعیین کلیدواژه‌ها به پژوهشگران امکان می‌دهد مطالب مورد نیاز خود را حتی در میان آثار و منابعی که هیچ‌گونه گمانی نسبت به آنها نمی‌رود، پیدا کنند.

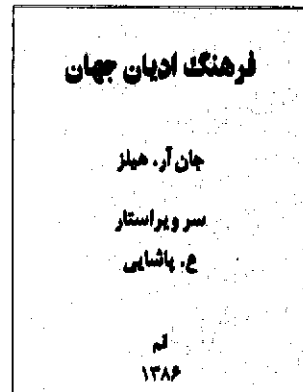
چکیده‌ها با جمله‌ای آغاز می‌شود که آینه تمام‌نمای کتاب باشد. در ادامه، یعنی در بدنه اصلی چکیده، مواردی همچون انگیزه تألیف، مذهب و روش نویسنده، اهم مطالب و نتایج کتاب و اطلاعات جانبی ارائه می‌شود. در پایان نیز، به سرفصل‌ها و عناوین کتاب اشاره می‌شود.

کتاب حاضر به معرفی منابع گوناگونی همچون کتاب، مقالات نشریه، مقالات مجموعه، مقالات دائرةالمعارف و پایان‌نامه می‌پردازد. این تنوع منابع باعث شده است برخی از عناوین به صورت تکراری معرفی شوند؛ چراکه در مجموعه‌های مختلف به چاپ رسیده‌اند.

در مجموعه پیش‌رو، نسخه‌های خطی معرفی نشده‌اند؛ ضمن آنکه به صورت کامل به منابع خارجی و غیر فارسی، پرداخته نشده است. امیدواریم این کار تکمیل شود و با حجمی بیش از این، به چاپ رسد تا باز نمودی از تحقیق و پژوهش کشورهای دیگر به ویژه کشورهای کویت، عربستان، مصر و مغرب-که کارهای فراوانی در این زمینه انجام داده‌اند- باشد.

محمدرضا زاهدوش

فرهنگ ادیان جهان، جان آر. هینلز، سر ویراستار، پاشایی، چاپ اول، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چهل و دو + ۹۲۲ ص، وزیری، (ویرایش دوم)، ۱۳۸۶.



کتاب فرهنگ ادیان پنگوئن (The Penguin Dictionary of Religions) در سال ۱۹۹۷ را «کتاب‌های پنگوئن» (Penguin Books) منتشر کرده است. مقالات این دانشنامه دین را ۶۵ نفر نوشته‌اند؛ نویسندگان با تخصص‌های مختلف دانشگاهی همچون تاریخ‌نگار، فیلسوف، الهی‌دان، متخصص آثار کهن، باستان‌شناس، جامعه‌شناس، انسان‌شناس و خاورشناس. ویراستاری این مجموعه را جان آر. هینلز (John R. Hinnells)، استاد مطالعات ادیان دانشگاه «دربی» (Derby) به عهده داشته است. فرهنگ ادیان جهان بازگردان فارسی این کتاب است. ترجمه این «فرهنگ عمومی دین» نتیجه زحمات ۲۱ نفر (در قالب هجده مترجم و پنج ویراستار) به سر ویراستاری ع. پاشایی است. حاصل کار این دانشوران، با هدف «شناخت دیگر ادیان و مذاهب و نیز ارتباط با پیروان آنها»، در قالب کتابی نزدیک به هزار صفحه و لوح فشرده (CD) به تازگی به علاقه‌مندان این حوزه عرضه شده است.

ساختار کتاب

این کتاب سه بخش دارد: ۱. مقدمه و توضیحات؛ ۲. فرهنگ ادیان جهان؛ ۳. نمایه‌ها، واژه‌نامه‌ها و کتابنامه. ۱. در مقدمه، چکیده‌ای از ویراستار انگلیسی کتاب می‌آید. هینلز با بیان اینکه هسته اصلی فرهنگ «روشنگری اصطلاحات» است، به دو بخش اضافی و بی‌نهایت مهم کتاب اشاره می‌کند: کتاب‌نامه و نمایه‌نام‌ها و مفهوم‌ها؛ البته بخشی از نمایه‌ها در ترجمه فارسی نیامده است و به جای آن می‌توان از بخش جستجو، در لوح فشرده استفاده کرد. در پی آن، مقدمه ویراستار فارسی و سپس طرز استفاده از فرهنگ قرار دارد. توضیحات این بخش، درباره مواردی چون نحوه ارجاعات و

مفهوم علامات و نکات ویرایشی است که مطالعه آنها به استفاده دقیق و عمیق از فرهنگ کمک می‌کند.

برخی از اصطلاحات این کتاب، برای اولین بار به فارسی درآمده‌اند. فهرستی از برابر نهاد‌های پیشنهادی پاشایی و پس از آن فهرستی از واژگان پرکاربرد کتاب به همراه ترجمه آنها و سپس آخرین قسمت بخش اول، یعنی نمایه موضوعی قرار دارد.

بخش نمایه‌های موضوعی سر وازدها، ۳۵ تیتر دارد که بعضی از آنها خود زیر شاخه‌هایی دارند. از موضوعات قابل توجه می‌توان به «جانشین‌های دنیاورز دین»، «جنبش‌های دینی نو در جوامع غربی»، «جنبش‌های دینی نو در ژاپن»، «دین ایرانی (غیر زردشتی)»، «مطالعات چند فرهنگی» و «مطالعه دین» اشاره کرد. علاوه بر موضوعات گفته شده، هریک از ادیان بزرگ موضوعی مستقل‌اند. دین‌های منطقه‌ای نیز چندین بخش را به خود اختصاص داده‌اند؛ «دین‌های چینی»، «دین‌های آفریقای»، «دین‌های اقیانوس آرام»، «دین تبتی»، «دین یونانی»، «دین‌های اروپای باستان»، «دین‌های رومی»، «دین‌های ژاپنی» از آن جمله‌اند.

۲. فرهنگ ادیان جهان، بخش هفتصد صفحه‌ای این کتاب است. در این صفحات، ۱۴۰۰ مدخل توضیح داده می‌شود. چنین این مدخل‌ها بر اساس حروف الفبای فارسی است.

در مقابل هر مدخل، «رومی‌نوشت» آن، اعداد رومی که مشخص‌کننده موضوع آن هستند و توضیح آن مفهوم دیده می‌شود. ارجاع به منابع استفاده شده به صورت درون‌متنی است؛ این ارجاعات با استفاده از شماره منابع - که در کتابنامه موجود است - مشخص شده‌اند. دیگر نکته قابل توجه در توضیحات، استفاده مکرر از علامت «بینید نیز» (*) است که به خواننده اجازه می‌دهد با رجوع به مدخل‌های مرتبط، فهم خود را از موضوع کامل‌تر کند. مدخل‌های این بخش، گستره بسیار زیادی دارند. اصطلاحات، مفاهیم، آموزه‌ها، جریان‌ها و مکان‌ها از جمله مواردی است که به آنها پرداخته می‌شوند.

از ۱۴۰۰ مدخل این فرهنگ، بیش از صد مدخل، به طور مستقیم درباره اسلام است. این مدخل‌ها تعلیمات و آموزه‌ها (مثل زکات، صوم، طهارت، حج، حجاب، دعا)، مفاهیم (مانند الله، بسم الله، امام، جاهلیت، خلق، اجماع، آخرت، ولی، قیامت)، جریان‌ها (همچون تصوف، تشیع، سنت، قدریه، نهاد‌های صوفیان، نوگرایی اسلامی) و موارد حائز اهمیت از این دست را پوشش می‌دهد. در توضیحات، مطالبی هم در داخل کروسه دیده می‌شود؛ یعنی مطالبی برای تکمیل متن به آن اضافه شده است. در چند مورد هم که اطلاعات مقاله

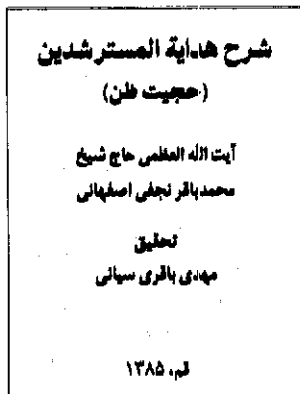
فرهنگ ادیان جهان، اولین فرهنگ نسبتاً جامع به زبان فارسی است. اگرچه منابع آن چندان جدید نیستند (تاریخ چاپ اصل کتاب: ۱۹۹۷)، بسیاری از نیازهای پژوهشگران و محققان و همین‌طور علاقه‌مندان را برطرف می‌کند.

از جمله ویژگی‌های این فرهنگ، لوح فشرده همراه آن است که امکان استفاده بیشتر را به مخاطب می‌دهد. امکان «جستجو» در متن فرهنگ، استفاده از واژه‌نامه و نکته‌برداری، از قابلیت‌های این لوح فشرده است.

قیمت مناسب این اثر هم از نکاتی است که نباید آن را نادیده گرفت. این کتاب به همراه لوح فشرده آن ۱۴۰۰۰ تومان است.

سیدمحسن اسلامی

شرح هدایة المسترشدين (حجیت ظن)، تألیف آیت الله العظمی حاج شیخ محمدباقر نجفی اصفهانی؛ تحقیق مهدی باقری سیانی؛ قم: عطر عترة، ۱۳۸۵.



الف) سخنی درباره شرح هدایة المسترشدين این کتاب که مهم‌ترین اثر مؤلف فرزانه آن می‌باشد، در واقع قضاوت و محاکمه‌ای عادلانه بین آرا و نظریات دو تن از بزرگ‌ترین شخصیت‌های اصولی و فقهی شیعه است. یکی از این دو، علامه فقیه شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی معروف به «صاحب حاشیه معالم» والد ارجمند مؤلف و دیگری علامه نام‌آور شیخ مرتضی انصاری معروف به «شیخ اعظم» از استادان مؤلف می‌باشد.

روش مؤلف در تألیف این کتاب به این صورت بوده که ابتدا قسمتی از بحث ظنون هدایة المسترشدين را نقل نموده و سپس به شرح و توضیح آن پرداخته و آرای پدر خویش را نقل و نظریات وی را تفسیر می‌نماید و پس از آن اشکالات و ایرادات شیخ اعظم انصاری را در این مورد پاسخ می‌دهد.

محقق در تحقیق این اثر، تنها به تحقیق شرح اکتفا ننموده، بلکه مواردی که از متن اصلی کتاب نقل شده را نیز تحقیق نموده است.

در مورد اسلام درست یا دقیق نیست، مترجمان در متن اصلی تصرفی نمی‌کنند و تنها با علامتی آن را مشخص کرده، در پایان مقاله توضیحات لازم را می‌دهند. از این توضیحات در چند مورد برای موضوعاتی غیر از اسلام هم استفاده شده است. گفتنی است مقالات مربوط به بخش اسلام، با استفاده از ۱۴۵ منبع نوشته شده است.

برای آشنایی با این فرهنگ، در این جا مدخل «صلات» به طور کامل نقل می‌شود:

صلات [XIX] Salat (نماز). یک سلسله اذکار و افعال تشکیل دهنده عبادت اسلامی و از ارکان اسلام محسوب می‌شود. اقامه آن در پنج نوبت، از سپیده صبح تا غروب آفتاب [تا نصف شب]، برای همه مؤمنان بالغ [اعم از این] که توانایی جسمانی دارند [یا ندارند] تجویز شده است. نماز را می‌توان به تنهایی (فرداً) به جا آورد، اما اقامه آن به جماعت، مثلاً در یک مسجد، مستحب و نیکوتر و در روزهای جامعه واجب [تخیری] است. [38 S. V; 48: 70 - 81; "Prayer"; 71:537 - 49; 80: 155-9]

بیشترین مدخل‌های این فرهنگ به مسیحیت اختصاص دارد و در چهار بخش پی گرفته می‌شود: ۱. کتاب مقدس و کلیسای آغازین؛ ۲. تاریخ و آموزه؛ ۳. فلسفه و الاهیات؛ ۴. مسیحیت شرقی. در مجموع این کتاب شامل حدود ۲۵۰ مدخل درباره مسیحیت است که در مقایسه با دیگر موضوعات کتاب، قابل توجه است.

۳. بخش پایانی کتاب، با «فهرست سرواژه‌ها» (انگلیسی-فارسی) آغاز می‌شود. پس از آن، واژه‌نامه‌ها قرار دارند؛ یکی واژه‌نامه فارسی-انگلیسی و دیگری انگلیسی-فارسی. این واژه‌نامه‌ها بسیاری از لغات پرکاربرد مباحث دینی و مرتبط با دین را در خود دارند.

در ادامه «کتابنامه» این مجموعه قرار دارد. این کتابنامه صد صفحه‌ای به صورت موضوعی تقسیم‌بندی شده، چپ‌بند انگلیسی است. برخی از منابع کتاب به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به «عرفان و فلسفه» (الثر ترنس استیس؛ عرفان و فلسفه؛ بهاء‌الدین خرمشاهی؛ ج ۵؛ تهران: سروش، ۱۳۷۹) که ترجمه (Mysticism and Philosophy) نوشته «و. ت. استیس» (Stace, W.T.) است، اشاره کرد. خوب بود چنین منابعی مشخص و معرفی می‌شدند؛ چه اینکه با این کار به مخاطبانی که امکان استفاده از منابع انگلیسی را ندارند، کمک می‌شد.

نمایه نام‌ها و مفهوم‌ها آخرین بخش این «دانشنامه دین» است.

ب) برخی از ویژگی های این اثر

نکته مهمی که باعث امتیاز این اثر در بین آثار مشابه آن می شود، ویژگی هایی است که به برخی از آنها اشاره می گردد:

- مؤلف آن، فرزند صاحب هدایة المسترشدين است.

- مؤلف از شاگردان خصوصی (مرحوم شیخ عباس قمی در

کتاب ارزشمند الفوائد الرضویة، ج ۲، ص ۴۰۹ در این مورد

چنین می نویسد: «تلمذ مرحوم حاج شیخ محمدباقر در نزد شیخ

انصاری در اوایل تدریس مرحوم شیخ انصاری بوده و آن مرحوم

به خانه جناب استاد مشرف شده، حاشیه پدرش بر معالم را نزد

آن جناب می خوانده است و او از شاگردان طبقه اول مرحوم

شیخ انصاری می باشد که علاوه بر فواید علمی که از آن جناب

حاصل کرده، به مناسبت صحبت معاشرت با ایشان نیز تکمیل

مراتب تقوا و تزکیه نفس و اخلاق نموده است.» و مورد توجه

اصولی نامدار دوران متأخر، یعنی شیخ مرتضی انصاری

است. (شیخ انصاری در اجازه روایی خویش به مؤلف این

کتاب، از وی چنین یاد می کند: «للاهل الامجد والافتی الاوحد...

صاحب التدقیقات الراققة بالذهن والتحقیقات الفائقة بالفهم

المستقیم، سلالة الفحول...» (ر. ک به: قبیلده عالمان

دین، ص ۴۵ / شرح هدایة المسترشدين، ص ۱۷ و ۵۰).

- مؤلف از استادان برجسته و نام آور فقه و اصول در حوزه

کهن اصفهان است.

- نسخه ای که از هدایة المسترشدين در اختیار مؤلف بوده،

صحیح ترین نسخه هاست؛ از این رو برخی اشتباهات و

کاستی هایی که توسط کاتبان در کتاب راه یافته در این نسخه اصلاح

شده است. این مطلب با مقایسه دو متن موجود از این کتاب،

آشکار می گردد: متن چاپ شده کتاب هدایة المسترشدين - اعم

از چاپ سنگی یا طبع حروفی - با متن نقل شده از آن در این کتاب.

- همچنین نسخه ای که از فوائد الاصول در اختیار مؤلف

بوده، از صحیح ترین نسخه های این کتاب است. این مطلب با

مقایسه چاپ های مختلف کتاب فوائد الاصول با قسمت هایی از

آن که به مناسبت توسط شارح هدایة المسترشدين نقل

گردیده، به خوبی آشکار می گردد.

ج) جایگاه این اثر در دوره های سه گانه

محقق در مقدمه خود، ادوار اصول فقه پس از علامه وحیدبهبهانی

را به سه دوره تقسیم نموده (برای اطلاع بیشتر در مورد این ادوار

سه گانه، ر. ک به: مقدمه کتاب و قیایة الاذهان مرحوم آیت الله

العظمی شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی به قلم حفید وی مرحوم شیخ

مهدی نجفی و مقدمه لمحات الاصول حضرت امام خمینی به قلم آیه

الله سبحانی.)، جایگاه مؤلف و پدر و عموی وی را در این دوره های

سه گانه مشخص کرده است که به شرح ذیل می باشد:

۱. دوره اول یا دوره افتتاح

در این دوره سه شخصیت شاخص وجود دارد که همگی نیز

توفیق درک محضر وحید بهبهانی را یافته اند؛ ایشان عبارتند از:

- شیخ جمفر کاشف الغطاء، صاحب کتاب غایة المأمول

فی علم الاصول، متوفای ۱۲۲۸ قمری؛

- میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی، صاحب قوانین الاصول

متوفای ۱۲۳۱ قمری؛

- شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی صاحب هدایة

المسترشدين.

۲. دوره دوم یا دوره نضوج و شکوفایی علم اصول

در این دوره دو شخصیت بزرگ اصولی وجود دارد که

اگرچه درس علامه وحید بهبهانی را درک نکرده اند، ولی توفیق

درک شاگردان وی را داشته اند و با یک واسطه، شاگرد وحید به

حساب می آیند و این دو عبارت اند از:

- شریف العلماء مازندرانی صاحب رساله «جواز امر الامر

مع العلم بانتفاء الشرط»، متوفای ۱۲۴۶ قمری؛

- شیخ محمدحسین اصفهانی حائری، صاحب الفصول

الغرویة (در جلسه ای که نگارنده و جمعی دیگر در خدمت آیت الله

سبحانی بودیم، ایشان فرمودند: «از آرزوهای بنده این است که

چاپ تحقیقی فصول را ببینم». گفتنی است سه فصل (شامل بحث

حقیقت و مجاز و ...) از این کتاب با تحقیق دوست فاضل، جناب

حجت الاسلام مجید هادی زاده در سال جاری ضمن مجموعه

نصوص و رسائل چاپ و منتشر گردید)، متوفای ۱۲۵۵

قمری (اگرچه وی در اصول از مرتبه والایی برخوردار است و

بیشتر با مهم ترین کتاب خود به نام الفصول الغرویة شناخته

می شود، ولی از نظر فقهی نیز جایگاه ویژه ای دارد و مهم ترین اثر

فقهی وی رساله ای است با عنوان «مشارع الاحکام» که از نظر

قوت و دقت همسنگ فصول بوده، مؤلف پس از فراغت یافتن از

نگارش فصول، به تألیف آن پرداخته است. این اثر ارجمند فقهی

که تحقیق آن توسط نگارنده به پایان رسیده است، به خواست خدا

به زودی در دفتر پنجم میراث حوزه اصفهان منتشر خواهد شد.)

۳. دوره سوم یا دوره تکامل

در این دوره افزون بر شخصیت والای شیخ انصاری و اثر ارجمند

وی فوائد الاصول، شاگردان مکتب وی مورد بررسی قرار گرفته اند

و سه نفر از آنان - با ترتیب زمانی - ذکر شده است که عبارت اند از:

- شیخ محمدباقر نجفی اصفهانی؛

- میرزا محمدحسن شیرازی، صاحب فتوای تحریم تنباکو و

متوفای ۱۳۱۲ قمری؛

- مولی محمد کاظم خراسانی، صاحب کتاب کفایة الاصول، متوفای ۱۳۲۹ قمری.

با دقت در تقسیم بندی فوق می توان به این نتیجه رسید که صاحب هدایة المسترشدين در اولین دوره، صاحب الفصول الغرورية در دوره دوم، و صاحب شرح هدایة المسترشدين در سومین دوره قرار دارند.

د) بستر زمانی آفرینش این اثر

در این کتاب و سایر آثار برجای مانده از مولف، به تاریخ اتمام کتاب و یا زمان اشتغال به نگارش آن اشاره نشده است، ولی می توان باتوجه به برخی قرائن، چنین استنباط نمود که بستر زمانی آفرینش این اثر محدوده دو دهه هفت و هشت قرن سیزدهم قمری بوده است.

برخی از این قرائن چنین است:

۱. مؤلف در حدود سال ۱۲۶۰ قمری از نجف بازگشته است و در این شهر زعامت دینی مردم را عهده دار گردیده، در حوزه اصفهان به تدریس پرداخته و انبوه تشنگان معارف الهی را از زلال جاری بیان خویش سیراب نموده است.

۲. در قسمت هایی از این کتاب، از استاد خود شیخ اعظم انصاری نام می برد و چنین تعبیر می کند: «انتهی سلمه الله» (شرح هدایة المسترشدين، ص ۲۸۲)، و تعبیر به «سلمه الله» بیانگر این است که کتاب در زمان حیات شیخ انصاری نگاشته شده است.

۳. اجازه روایی شیخ اعظم انصاری به مؤلف، در ماه صفر ۱۲۶۲ قمری در نجف اشرف نگاشته شده است؛ یعنی در سال های آغازین استقرار مؤلف در حوزه علمیه اصفهان.

۴. این کتاب، دو سال بعد از رحلت شیخ انصاری و به سال ۱۲۸۳ قمری چاپ سنگی می شود.

۵. شاید بتوان با استفاده از برخی تعبیر شیخ انصاری برای مؤلف، احتمال داد شیخ انصاری این اثر یا قسمت هایی از آن را دیده است؛ تعبیراتی مانند «صاحب التذقیقات الرائقة بالذهن و التحقیقات الفائقة بالفهم المستقیم» (همان، ص ۵۰).

ه) بررسی دو مقدمه کتاب

کتاب دارای دو مقدمه است اول مقدمه حفید مؤلف و دیگری مقدمه محقق کتاب.

- مقدمه آیت الله نجفی

در اولین مقدمه، نویسنده با تلاشی درخور تحسین، به بررسی برخی از روایات مربوط به علم اصول پرداخته است (نویسنده در مقدمه، ده حدیث را ذکر می کند که همگی نیز - از نظر سند - صحیح و یا موثق هستند). و پس از آن، اطلاعاتی نسبتاً کامل از کتاب، نویسنده آن و کتاب هایی که می توان شرح حال مؤلف را در آن سراغ گرفت، در اختیار خواننده قرار داده است.

سومین قسمت از اولین مقدمه کتاب، به قدردانی از محقق کتاب و کسانی که وی را در به ثمر نشستن این تحقیق کمک نموده اند اختصاص دارد.

- مقدمه محقق

محقق در مقدمه خرد ابتدا متذکر معنای علم اصول شده است و پس از آن، به صورت بسیار مختصر به بررسی دوران هایی که این علم پشت سر نهاده، پرداخته است.

محقق پس از دو مرحله پیش گفته به دوره محمدامین استرآبادی و تلاش وی در جهت تقویت روحیه اخباری گری پرداخته، سپس به قیام بزرگ مرد عرصه فقه، اصول و رجال، یعنی مرحوم علامه محمدباقر اصفهانی، معروف به وحید بهبهانی اشاره نموده است.

قسمتی از مقدمه نیز به ادوار سه گانه پس از وحید بهبهانی و بررسی آن اختصاص یافته است.

از نقاط قوت این تحقیق یکی فهرست موضوعات کتاب است که به صورت بسیار جامع و مبسوط تنظیم شده و دسترسی به مطالب و مباحث مختلف کتاب را سهل و آسان نموده است (با نگاهی گذرا به فهرست موضوعات سایر کتاب های اصولی و مقایسه این دو، ارزش و جایگاه این کار بیشتر آشکار می گردد) (شرح هدایة المسترشدين، ص ۸۱۳-۸۳۲). دیگری فهرست مصادر تحقیق است که شامل بیش از ۲۲۰ عنوان کتاب با مشخصات کامل آن است (همان، ص ۷۷۱-۸۱۱).

برخی دیگر از قسمت هایی که در مقدمه محقق، به آن پرداخته شده است، عبارت اند از:

- المؤلف فی سطور [شناختی اجمالی از مؤلف]؛

- الامام الی ما للمؤلف من الحالات النفسية النفسية

[نیم نگاهی به حالات معنوی مؤلف].

سخن پایانی

سخن پایانی این نوشتار، ایباتی چند در مرثیه و ماده تاریخ وفات مؤلف این اثر و شارح ارجمند هدایة المسترشدين است:

دوش پیر خرد به خواب، سرود

مرد باید چو شیخ نیک انجام

رفت اندر جوار شاه نجف

شد به خاک اندر آن خجسته مقام

سال فوتش چو خواست «پرتو» گفت:

رحمت حق به حجت اسلام (۱۳۰۱ ق)

(شعر از میرزا آقاخان پرتو است. ر. ک به:

گلشن اهل سلوک، ص ۵)

مهدی بالری سبانی

سال هفتم، ۱۹۶۱م) گزارشی از نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌های مختلف ایران ارائه کرد. از آنجا که این مقاله حاوی نکات ارزنده‌ای درباره چندین مجموعه خصوصی و عمومی ایران بوده که هم اکنون کتاب‌های آنها پراکنده شده است و همچنین دستیابی به آن مقاله مشکل بود، به باز چاپ آن در این نشریه اقدام شده است. دکتر محفوظ در این مقاله تعداد ۸۹۲ نسخه خطی از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی ایران را شناسانده است.

مقاله سوم «فهرست اجمالی چهارصد و نود نسخه خطی در کتابخانه وزیری یزد» است به قلم فرید قاسملو. پیش از این ۳۹۵۰ نسخه خطی این کتابخانه در پنج جلد به کوشش محمد شیروانی طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ شناسانده شده بود و در این فهرست از شماره ۳۹۵۱ تا ۴۴۳۰ معرفی شده‌اند.

مقاله چهارم «معرفی اجمالی نسخه‌های خطی مجموعه اهدایی غلامحسین سرود به کتابخانه مجلس شورای اسلامی» است که نویسنده آن نوشته خانم سیمین سعیدی است.

غلامحسین خان متخلص به سرود فرزند مرحوم میرزا محمدعلی خان گرگانی متخلص به شکیب، به سال ۱۳۲۱ق در تهران متولد شد. او نواده مرحوم میرزا محمدعلی خان متخلص به ناطق است که از شعرای زمان شاه سلطان حسین صفوی بود و به سبک هندی شعر می‌سرود.

کتابخانه شخصی مرحوم سرود، طبق وصیتنامه‌اش در ۱۳۶۲ش به کتابخانه مجلس اهدا شد. این مجموعه شامل ۱۵۰ جلد کتاب خطی و ۴۱۴۶ جلد چاپی و دوره‌های مختلف روزنامه و مجلات است.

مقاله پنجم عهده دار معرفی نسخه خطی تذکرة العارفین، تألیف مولی محمد جعفر بن علی عقدایی به قلم دکتر علی افخمی است. عقدایی از اعلام قرن سیزدهم هجری است.

تذکرة العارفین فارسی و در اخلاق و مواظب است که چندین نسخه خطی آن در این مقاله معرفی شده است؛ همچنین نویسنده در ضمن به معرفی شرح حال مختصر ده تن از عالمان عقدا (محل تولد مؤلف) پرداخته است.

مقاله ششم «فهرست کتاب‌های چاپ سنگی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران» به قلم آقایان علیرضا قبادی و محمدرضا تقی زاده است. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران حدود دوازده هزار جلد کتاب‌های چاپ سنگی وجود دارد که از

نسخه‌های خطی؛ به کوشش سید محمد طباطبایی بهبهانی؛ دوره جدید، ش ۱۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، وزیری، ۵۶۸ ص.



پژوهش در زمینه نسخه‌شناسی، فهرست‌نگاری، کتابشناسی و متن‌پژوهی، یکی از بنیادی‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و پژوهشی است که از دستاوردهای آن گروه، زیادی از دانشمندان علوم مختلف بهره می‌گیرند و در راستای تحقیقات تکمیلی خود، همواره به این گونه تحقیقات نیازمند و وابسته‌اند.

در سال ۱۳۳۹ نخستین شماره نشریه نسخه‌های خطی با هدف معرفی مجموعه‌های خطی کوچک ایران و خارج ایران به همت ایرج افشار و محمد تقی دانش‌پژوه منتشر شد و دوازدهمین شماره آن در سال ۱۳۶۲ از چاپ درآمد و از آن وقت تا کنون متوقف مانده است؛ اما در حال حاضر دوباره به همت جناب طباطبایی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره سیزدهم نشریه با هشت مقاله، در زمینه نسخه‌شناسی چاپ و منتشر شده است.

«فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه خانقاه نوریخس» نوشته استاد عبدالحسین حایری نخستین مقاله نشریه است. این خانقاه دارای ۸۷۴ نسخه خطی است که در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۲ تعداد ۶۱۰ نسخه آن را آقای سید ابراهیم دیباجی در دو جلد فهرست و منتشر کرد و نسخه‌های ۶۱۱ تا ۸۷۴ را هم استاد حایری فهرست کرد؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی وقفه‌ای در امر چاپ و انتشار آن روی داد و منتشر نشد. آنچه در این نشریه آمده، در واقع جلد سوم فهرست این کتابخانه است.

مقاله دوم با عنوان «نفائس المخطوطات المریبه» نوشته مرحوم حسین علی محفوظ است که ابتدا پنجاه سال پیش در مجله معهد المخطوطات المریبه قاهره (سال سوم، ۱۹۵۷م و

- باب نمونه تعداد ۷۸ عنوان آن در این نشریه معرفی شده است.
۱۳. تفلیس، «فهرست عکسهای نسخه‌ها». ج ۱۰، ص ۴۰۶-۴۰۷.
۱۴. دانشگاه کلمبیا. ج ۱۰، ص ۲۲۸.
۱۵. رامسر، «فهرست کتابهای خطی». ج ۷، ص ۷۷۸-۷۷۳.
۱۶. فرهنگستان علوم آذربایجان در شهر باکو. ج ۹، ص ۲۵۵-۲۰۲.
۱۷. کاشان. ج ۱۱ و ۱۲، ص ۹۵۱-۹۵۵.
۱۸. کتابخانه آرامگاه بوعلی همدان (اذکایی). ج ۵، ص ۳۲۶-۳۸۷.
۱۹. کتابخانه امامزاده عبدالعظیم حسنی در شهر ری (۱). ج ۳، ص ۶۱-۸۳.
۲۰. کتابخانه امامزاده عبدالعظیم حسنی در شهر ری (۲). ج ۳، ص ۴۲۷-۴۸۰.
۲۱. کتابخانه آستانه قم. ج ۵، ص ۳۹۸-۳۹۷.
۲۲. کتابخانه آستانه یا مزار شاه چراغ یا احمد بن موسی در شیراز. ج ۵، ص ۲۳۱-۲۴۴.
۲۳. کتابخانه ابوعلی سینا در دانشگاه دولتی بخارا. ج ۹، ص ۲۰۰-۲۰۱.
۲۴. کتابخانه اصغرزاده، حاج سید علی اصغر. ج ۵، ص ۶۱۷-۶۱۳.
۲۵. کتابخانه اصفهان. ج ۴، ص ۲۸۳-۴۸۰.
۲۶. کتابخانه اداره اوقاف شهر شیراز. ج ۵، ص ۲۰۵-۲۰۶.
۲۷. کتابخانه اداره اوقاف شهر همدان. ج ۵، ص ۳۴۸.
۲۸. کتابخانه اعتمادالدوله شهر همدان. ج ۵، ص ۳۴۱-۳۴۶.
۲۹. کتابخانه انجمن آثار ملی. ج ۷، ص ۶-۱.
۳۰. کتابخانه اوقاف شهر همدان. ج ۵، ص ۳۴۹.
۳۱. کتابخانه حاجی ایزدی در شهر همدان. ج ۵، ص ۳۶۸-۳۶۶.
۳۲. کتابخانه ایزدی، محمود در شهر همدان. ج ۵، ص ۳۶۹.
۳۳. کتابخانه باقرزاده. ج ۵، ص ۱۱۲.
۳۴. کتابخانه برنا، قاسم، در شهر همدان. ج ۵، ص ۳۷۹-۳۷۱.
۳۵. کتابخانه بحر الفضاائل در شهر همدان. ج ۵، ص ۳۷۰.
۳۶. کتابخانه بوستون. ج ۹، ص ۴۲۷-۴۲۸.
۳۷. کتابخانه بنیاد خاورشناسی فرهنگستان تفلیس. ج ۸، ص ۲۸۷-۳۷۳.
- فهرست اسناد جمالزاده (موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).
- مقاله هفتم این نشریه به قلم خانم سوسن اصیلی است. سید محمدعلی جمالزاده در سال ۱۳۶۸ علاوه بر حدود ۲۵۰۰ جلد کتاب چاپی، سیزده کارتن از دست‌نوشته‌هایش را به این کتابخانه اهدا کرد. این سیزده کارتن شامل دست‌نوشته‌های مقالات، داستان‌ها، یادداشت‌ها، نامه‌ها و خاطرات او و تعداد بسیار زیادی پریده‌چسبیده است که در این مقاله به ترتیب موضوع، برگه به برگه معرفی شده است.
- مقاله هشتم و آخر نشریه، فهرست مشترک نشریه‌های خطی (جلد ۱-۱۲) است که خانم فریبا حرّی آن را تدوین کرده است.
- دوام انتشار این نشریه و توفیق نویسندگان آن را از خداوند خواستاریم.
- در خاتمه فهرست کتابخانه‌ها و جاهایی که نسخه‌های خطی آنها در دوازده شماره نشریه معرفی شده را به ترتیب الفبا ارائه می‌کنیم:
۱. آستانه درویش تاج‌الدین حسن ولی، «اسناد». ج ۴، ص ۴۸۱-۶۴۸.
 ۲. استانبول. ج ۱۰، ص ۲۷۵-۲۸۰.
 ۳. اصفهان. ج ۶، ص ۵۹۳-۵۹۹.
 ۴. افغانستان. ج ۷، ص ۵۶۳-۵۶۲.
 ۵. انجمن پادشاهی آسیایی (لندن) مجموعه الیس. ج ۵، ص ۶۸۱-۶۸۲.
 ۶. بوستون، «دانشکده پزشکی». ج ۹، ص ۴۲۷.
 ۷. بنیاد تاریخ فرهنگستان علوم تاجیکستان، «آرشیو سمیونوف». ج ۹، ص ۱۱۰-۱۲۴.
 ۸. بنیاد خاورشناسی شهر دوشنبه. ج ۹، ص ۴۱-۴۷.
 ۹. بنیاد خاورشناسی فرهنگستان شوروی شهر لنینگراد. ج ۸، ص ۲۷-۹۷.
 ۱۰. بنیاد خاورشناسی فرهنگستان ازبکستان به نام بیرونی در شهر تاشکند. ج ۹، ص ۱۲۵-۱۹۲.
 ۱۱. بنیاد فرهنگ ایران، «فهرست میکروفیلم‌ها و عکس‌ها و نسخه‌های خطی». ج ۱۱ و ۱۲، ص ۹۹۰-۱۰۰۵.
 ۱۲. بنیاد فرهنگی کشور شوروی. ج ۱۰، ص ۲۸۷-۳۷۳.

- ص ۲۰۸-۲۰۷ .
- ۳۸ . کتابخانه بنی صدر، سید نصر الله . ج ۵، ص ۳۸۰ .
- ۳۹ . کتابخانه بهار . ج ۵، ص ۶۷۱-۶۵۸ .
- ۴۰ . کتابخانه بیات، عبدالحسین . ج ۶، ص ۱۱۷-۶۳ .
- ۴۱ . کتابخانه بیانی . ج ۶، ص ۶۹۵-۶۹۱ .
- ۴۲ . کتابخانه پنبه چی، حسن در شهر همدان . ج ۵، ص ۳۸۱ .
- ۴۳ . کتابخانه پیشنماز آملی، میرزا ابوالحسن، در شهر آمل . ج ۵، ص ۴۰۳-۴۰۰ .
- ۴۴ . کتابخانه تبریز . ج ۴، ص ۴۸۰-۲۸۳ .
- ۴۵ . کتابخانه تکیه شوشتری ها در نجف . ج ۵، ص ۷۷۹-۷۹۴ .
- ۴۶ . کتابخانه تنکابنی، عبدالوهاب فرید در رامسر . ج ۷، ص ۷۷۹-۷۹۴ .
- ۴۷ . کتابخانه توفیق وهبی در بغداد . ج ۵، ص ۴۰۹-۴۰۸ .
- ۴۸ . کتابخانه ثامنی . ج ۵، ص ۱۱۱ .
- ۴۹ . کتابخانه توکل کامبوزیاکرد غفرانلو، امیر (زاهدان) . ج ۵، ص ۱۱۳-۱۱۲ .
- ۵۰ . کتابخانه ثقة الاسلام در تبریز . ج ۷، ص ۵۳۳-۵۳۱ .
- ۵۱ . کتابخانه جامع الامام ابی یوسف در کاظمین . ج ۵، ص ۴۳۹ .
- ۵۲ . کتابخانه جامی دانشکده ادبیات شهر دوشنبه . ج ۹، ص ۵۸-۴۸ .
- ۵۳ . کتابخانه جعفریه در مدرسه هندی در کر بلا . ج ۵، ص ۴۳۷-۴۳۴ .
- ۵۴ . کتابخانه جلالی در شهر همدان . ج ۵، ص ۳۸۲ .
- ۵۵ . کتابخانه حسینیای قزوینی، میر . ج ۶، ص ۳۵۳-۳۳۴ .
- ۵۶ . کتابخانه حسینیه شوشتری ها، در نجف . ج ۱۱ و ۱۲، ص ۸۷۹-۷۸۷ .
- ۵۷ . کتابخانه حکمت، علی اصغر، فهرست نسخ وقفی به آستان قدس . ج ۵، ص ۷-۱ .
- ۵۸ . کتابخانه حکیم در نجف در مدرسه هندی . ج ۵، ص ۴۲۸-۴۲۰ .
- ۵۹ . کتابخانه خاکپور، اسدالله . ج ۷، ص ۵۶۴-۵۶۸ .
- ۶۰ . کتابخانه خانقاه احمدیه شیراز . ج ۵، ص ۲۲۹-۲۰۹ .
- ۶۱ . کتابخانه خاوری در شیراز . ج ۵، ص ۲۶۹-۲۶۷ .
- ۶۲ . کتابخانه خدای خانه مسجد جامع عشیق شیراز . ج ۵، ص ۷۷۱-۷۶۹ .
- ۶۳ . کتابخانه خراسان . ج ۷، ص ۷۷۱-۷۶۹ .
- ۶۴ . کتابخانه خلیلی، حاج محمد . ج ۵، ص ۲۶۶ .
- ۶۵ . کتابخانه دامغانی در همدان . ج ۵، ص ۳۸۴-۳۸۳ .
- ۶۶ . کتابخانه دانشکده ادبیات اصفهان . ج ۵، ص ۳۰۷-۲۹۸ .
- ۶۷ . کتابخانه دانشکده پزشکی . ج ۳، ص ۳۸۶-۲۹۷ .
- ۶۸ . کتابخانه دانشگاه آن آربر میشیگان . ج ۱۰، ص ۲۲۷-۷۱ .
- ۶۹ . کتابخانه دانشگاه ادنبورگ . ج ۵، ص ۶۸۵ .
- ۷۰ . دانشگاه ادنبورگ، مجموعه نیو کالج اهدایی به دانشگاه . ج ۵، ص ۶۸۸-۶۸۵ .
- ۷۱ . کتابخانه دانشگاه استکهلم . ج ۵، ص ۷۱۴ .
- ۷۲ . کتابخانه دانشگاه اصفهان . ج ۱۱، ۱۲، ص ۹۵۰-۸۸۰ .
- ۷۳ . کتابخانه دانشگاه اوترخت . ج ۵، ص ۶۸۳ .
- ۷۴ . کتابخانه دانشگاه پرینستون . ج ۱۰، ص ۷۰-۱۲ .
- ۷۵ . کتابخانه دانشگاه تاشکند . ج ۹، ص ۱۹۴-۱۹۳ .
- ۷۶ . کتابخانه دانشگاه سمرقند . ج ۹، ص ۱۹۴ .
- ۷۷ . کتابخانه دانشگاه شیکاگو . ج ۱۰، ص ۲۷۴-۲۳۵ .
- ۷۸ . کتابخانه دانشگاه لیدن . ج ۱۰، ص ۲۷۴-۲۳۵ .
- ۷۹ . کتابخانه دانشگاه لیننراد . ج ۸، ص ۳۱۰-۲۷۱ .
- ۸۰ . کتابخانه دانشگاه میشیگان . ج ۵، ص ۷۱۶-۷۱۵ .
- ۸۱ . کتابخانه دانشگاه هاروارد . ج ۴، ص ۱۲-۱ .
- ۸۲ . کتابخانه دبیرستان امیر کبیر شهر همدان . ج ۵، ص ۳۴۸-۳۴۷ .
- ۸۳ . کتابخانه دهگان، ابراهیم . ج ۵، ص ۱۱۲ .
- ۸۴ . کتابخانه دهگان، ابراهیم . (اراک) . ج ۶، ص ۵۹۲-۵۸۹ .
- ۸۵ . کتابخانه رضوی، آیه الله در کاشان . ج ۷، ص ۲۹-۹۴ .
- ۸۶ . کتابخانه رودکی شهر دوشنبه . ج ۹، ص ۸۶-۵۹ .
- ۸۷ . کتابخانه روضاتی، سید محمد علی . ج ۵، ص ۱۵۲-۱۳۲ .
- ۸۸ . کتابخانه رضویه مدرسه صدر . ج ۵، ص ۳۱۴-۳۱۱ .
- ۸۹ . کتابخانه سادات ناصری، حسن . ج ۶، ص ۶۹۸-۶۹۶ .
- ۹۰ . کتابخانه سرکنسولگری استانبول . ج ۷، ص ۷۹۷ .
- ۹۱ . کتابخانه سلطنتی کپنهاک . ج ۵، ص ۷۱۳-۶۸۹ .

۹۲. کتابخانه شاد فروزینی. ج ۵، ص ۳۹۴-۳۹۶.
۹۳. کتابخانه شهچدرین در شهر لنینگراد. ج ۸، ص ۹۹-۱۵۴.
۹۴. کتابخانه شوشتری، سید محمد در اهواز. ج ۷، ص ۷۹۶-۷۹۵.
۹۵. کتابخانه شهرداری اصفهان. ج ۵، ص ۳۰۸-۳۱۰.
۹۶. کتابخانه شهرستانی، عبدالرضا در کربلا. ج ۵، ص ۴۳۹-۴۳۸.
۹۷. کتابخانه شهشهانی، حسین: «فهرست اسناد و فرامین و مکاتبات تاریخی». ج ۱، ص ۲۲۸-۲۷۰.
۹۸. کتابخانه صحت، رضا. ج ۷، ص ۵۵۶-۵۶۱.
۹۹. کتابخانه صنعتی زاده، همایون. ج ۷، ص ۷۹۸.
۱۰۰. کتابخانه طاهری، شهاب. ج ۶، ص ۶۱۳-۶۳۶.
۱۰۱. کتابخانه طباطبایی در تبریز. ج ۷، ص ۵۱۲-۵۲۳.
۱۰۲. کتابخانه عاطفی، حسن. ج ۷، ص ۷۲۱-۷۵۷.
۱۰۳. کتابخانه عینی در شیراز. ج ۵، ص ۷۵۷-۷۲۱.
۱۰۴. کتابخانه غفاری، حسن علی معاون الدوله. ج ۵، ص ۱۱۲.
۱۰۵. کتابخانه غفاری، حسن علی معاون الدوله. ج ۵، ص ۷۳۴-۷۱۷.
۱۰۶. کتابخانه فاضل، محمود. ج ۷، ص ۷۶۲-۷۵۹.
۱۰۷. کتابخانه فرخ، «تمه فهرست». ج ۵، ص ۶۱۲.
۱۰۸. کتابخانه فرخ در مشهد. ج ۳، ص ۸۵-۹۷.
۱۰۹. کتابخانه فردوسی شهر دوشنبه. ج ۹، ص ۸۷-۱۰۹.
۱۱۰. کتابخانه فرمان فرمائییان، حافظ. ج ۷، ص ۵۴۴-۵۵۵.
۱۱۱. کتابخانه فروردین در شیراز. ج ۵، ص ۲۷۷-۲۷۸.
۱۱۲. کتابخانه فیاض، علی اکبر. ج ۵، ص ۶۹۵-۷۰۱.
۱۱۳. کتابخانه قریب گرگانی، عبدالعظیم خان. ج ۵، ص ۶۵۷-۶۱۸.
۱۱۴. کتابخانه کاشان. ج ۴، ص ۲۸۳-۴۸۰.
۱۱۵. کتابخانه کمالی در همدان. ج ۵، ص ۳۸۵-۳۸۷.
۱۱۶. کتابخانه کوثر در شیراز. ج ۵، ص ۲۷۹-۲۸۰.
۱۱۷. کتابخانه گلستان، وصف چند نسخه. ج ۱، ص ۲۰۴-۱۵۶.
۱۱۸. کتابخانه لغت نامه دهخدا. ج ۳، ص ۱-۵۹.
۱۱۹. کتابخانه لغت نامه دهخدا. ج ۳، ص ۳۸۷-۴۲۶.
۱۲۰. کتابخانه لنین در شهر مسکو. ج ۳، ص ۱۷-۲۵.
۱۲۱. کتابخانه مجلس سنا. ج ۲، ص ۲۱۹-۲۵۷.
۱۲۲. کتابخانه مجلس سنا. ج ۶، ص ۴۲۷-۵۸۷.
۱۲۳. کتابخانه مجلس سنا (دنباله). ج ۷، ص ۶۶۹-۵۶۹.
۱۲۴. کتابخانه مجلس شورای ملی. ج ۵، ص ۱۵۳-۲۰۳.
۱۲۵. کتابخانه محتشمی، مسعود. ج ۵، ص ۶۷۲-۶۷۳.
۱۲۶. کتابخانه محلاتی، صدرالدین در شیراز. ج ۵، ص ۲۷۴-۲۷۱.
۱۲۷. کتابخانه مدرسه بادکوبه در کربلا. ج ۵، ص ۴۳۸.
۱۲۸. کتابخانه مدرسه بروجردی در نجف. ج ۵، ص ۴۳۱-۴۲۹.
۱۲۹. کتابخانه مدرسه حاج حسن در مشهد. ج ۷، ص ۷۶۵-۷۶۳.
۱۳۰. کتابخانه مدرسه دامغانی شهر همدان. ج ۵، ص ۴۳۹.
۱۳۱. کتابخانه مدرسه زنگنه شهر همدان. ج ۵، ص ۳۵۱-۳۵۰.
۱۳۲. کتابخانه مدرسه عباسقلی خان در مشهد. ج ۷، ص ۷۶۸-۷۶۶.
۱۳۳. کتابخانه مدرسه غرب همدان. ج ۵، ص ۳۵۱-۳۶۵.
۱۳۴. کتابخانه مدرسه فیضیه (شهر قم). ج ۵، ص ۳۹۹.
۱۳۵. کتابخانه مدرسه مهدویه رشت. ج ۵، ص ۳۹۳-۳۹۲.
۱۳۶. کتابخانه مدیر شانه چی، کاظم. ج ۵، ص ۵۸۴-۶۱۱.
۱۳۷. کتابخانه مرعشی، آیه الله. ج ۶، ص ۳۵۵-۴۲۵.
۱۳۸. کتابخانه مرکز علمی فرهنگستان ترکمنستان شوروی در شهر عشق آباد. ج ۹، ص ۲۵۶-۲۷۴.
۱۳۹. کتابخانه مزار استرو مردخای شهر همدان. ج ۵، ص ۳۴۱.
۱۴۰. کتابخانه مزار «عبدالقادر گیلانی در بغداد». ج ۷، ص ۵۳۰-۵۲۴.
۱۴۱. کتابخانه مسجد اعظم (شهر قم). ج ۵، ص ۳۹۹.
۱۴۲. کتابخانه مسجد طلا شیخ. ج ۹، ص ۱۹۵-۲۰۰.
۱۴۳. کتابخانه معتمد، محمود فرهاد. ج ۳، ص ۱۴۱-۲۷۶.
۱۴۴. کتابخانه مفتاح. ج ۷، ص ۷۹۹.
۱۴۵. کتابخانه مفتاح در تهران. ج ۷، ص ۱۱-۹۵.

- ص ۲۶۷-۲۵۹ .
- ۱۴۶ . کتابخانه مکاری، عبدالکریم در شیراز. ج ۵، ص ۲۸۱ .
- ۱۴۷ . کتابخانه ملک ساسانی، احمد. ج ۵، ص ۱۳۱-۱۱۴ .
- ۱۴۸ . کتابخانه ملی. ج ۵، ص ۳۸۸-۳۹۰ .
- ۱۴۹ . کتابخانه ملی، دنباله فهرست. ج ۶، ص ۳۲۶-۱۱۹ .
- ۱۵۰ . کتابخانه ملی تهران. ج ۴، ص ۱۳۹-۲۸۱ .
- ۱۵۱ . کتابخانه ملی «نسخه های عکسی». ج ۲، ص ۲۸۱-۲۶۹ .
- ۱۵۲ . کتابخانه ملی (دنباله فهرست نسخه های عکسی). ج ۳، ص ۹۹-۱۰۴ .
- ۱۵۳ . کتابخانه ملی اسکاتلند (ادنبورگ). ج ۵، ص ۶۸۴ .
- ۱۵۴ . کتابخانه ملی پارس شیراز. ج ۵، ص ۲۴۵-۲۵۷ .
- ۱۵۵ . کتابخانه ملی پاریس. ج ۹، ص ۲۷۷-۳۱۸ .
- ۱۵۶ . کتابخانه ملی پاریس. ج ۵، ص ۶۷۴-۶۷۸ .
- ۱۵۷ . کتابخانه ملی فرهنگ «منتخبی از کتابهای فارسی». ج ۱، ص ۵۱-۶۱ .
- ۱۵۸ . کتابخانه ملی و دانشگاه اورشلیم. ج ۵، ص ۱۰۸-۱۱۰ .
- ۱۵۹ . کتابخانه موزه ایران باستان. ج ۲، ص ۱۹۹-۲۱۸ .
- ۱۶۰ . کتابخانه موزه ایران باستان. ج ۳، ص ۱۱۹-۱۲۵ .
- ۱۶۱ . کتابخانه مولوی، عبدالمجید. ج ۵، ص ۷-۱۰۷ .
- ۱۶۲ . کتابخانه مونیخ. ج ۹، ص ۳۱۹-۳۴۵ .
- ۱۶۳ . کتابخانه مهدوی، اصغر. ج ۲، ص ۵۹-۱۸۱ .
- ۱۶۴ . کتابخانه مهدوی، اصغر. ج ۳، ص ۴۸۱-۴۸۵ .
- ۱۶۵ . کتابخانه میناسیان، کارول. ج ۵، ص ۳۲۵ .
- ۱۶۶ . کتابخانه مینوی، مجتبی. ج ۶، ص ۶۳۷-۶۹۰ .
- ۱۶۷ . کتابخانه نجفی عرب زاده، محمد. ج ۵، ص ۳۸۵ .
- ۱۶۸ . کتابخانه نفیسی، سعید. ج ۷، ص ۶۸۹-۶۸۵ .
- ۱۶۹ . کتابخانه واجد در شیراز. ج ۵، ص ۲۸۵ .
- ۱۷۰ . کتابخانه وادهان در آکسفورد. ج ۱۱ و ۱۲، ص ۷۷۳-۷۸۶ .
- ۱۷۱ . کتابخانه وایدنر در دانشگاه هاروارد. ج ۹، ص ۳۴۶-۳۸۴ .
- ۱۷۲ . کتابخانه وزارت امور خارجه. ج ۳، ص ۱۰۵-۱۱۷ .
- ۱۷۳ . کتابخانه وزارت امور خارجه. ج ۱، ص ۱-۷ .
- ۱۷۴ . کتابخانه وزارت امور خارجه (قسمت دوم)، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۷ .
- ۱۷۵ . کتابخانه وصال در شیراز. ج ۵، ص ۲۹۰-۲۹۴ .
- ۱۸۶ . کتابخانه هاشمی حسینی در شیراز. ج ۵، ص ۲۸۹-۲۸۶ .
- ۱۸۷ . کتابخانه هند و سند. ج ۱۰، ص ۲۸۱-۲۸۶ .
- ۱۸۸ . کتابخانه هوتن در دانشگاه هاروارد. ج ۹، ص ۳۸۵-۴۲۵ .
- ۱۸۹ . کتابخانه یزد. ج ۴، ص ۲۸۳-۴۸۰ .
- ۱۹۰ . کتابخانه یوسفی، تقی در همدان، ج ۵، ص ۳۸۷ .
- ۱۹۱ . کتابخانه رومانی «نسخه های فارسی». ج ۷، ص ۶۷۴-۶۷۱ .
- ۱۹۲ . کتابخانه های رومانی «نسخه های فارسی». ج ۱۱ و ۱۲، ص ۹۵۶-۹۸۹ .
- ۱۹۳ . کتابخانه های عمومی فرانسه. ج ۴، ص ۱۲۹-۱۳۸ .
- ۱۹۴ . کتابخانه های محفوظ، حسین علی در بغداد. ج ۵، ص ۴۰۸ .
- ۱۹۵ . کتابخانه های هنرهای زیبا کشور. ج ۳، ص ۱۲۷-۱۴۰ .
- ۱۹۶ . کتیبه مدخل مسجد وکیل شیراز. ج ۵، ص ۲۶۵ .
- ۱۹۷ . کتیبه مزار ابو زرعه اردبیلی در شیراز. ج ۵، ص ۲۶۳-۲۶۴ .
- ۱۹۸ . گرجستان، «نسخه های عربی-ترکی». ج ۸، ص ۱۵۵-۱۶۶ .
- ۱۹۹ . لس آنجلس «فهرست نسخه های خطی دانشگاه». ج ۱۱ و ۱۲، ص ۱-۷۷۲ .
- ۲۰۰ . مکتبه الامام امیرالمؤمنین العامه (نجف)، ج ۵، ص ۴۰۹-۴۱۹ .
- ۲۰۱ . مکتبه المتحف المراقی. ج ۵، ص ۴۰۶ .
- ۲۰۲ . مکتبه الحرم المکی. ج ۵، ص ۵۳۵-۵۳۹ .
- ۲۰۳ . مکتبه الخلائی العامه (بغداد). ج ۵، ص ۴۰۷-۴۰۸ .
- ۲۰۴ . المکتبه القادریه فی الحضرة الگیلانیه فی بغداد. ج ۵، ص ۴۰۷ .
- ۲۰۵ . المکتبه المحمودیه فی الحرم النبوی. ج ۵، ص ۵۱۳-۵۲۵ .
- ۲۰۶ . مکتبه المدینه المنوره العامه. ج ۵، ص ۵۰۵-۵۱۲ .
- ۲۰۷ . المکتبه المركزيه فی جامع بغداد. ج ۵، ص ۴۰۶ .
- ۲۰۸ . مکتبه جامعه النجف. ج ۵، ص ۴۳۳ .

عشقی که او مطرح می‌کند، زیربنای ترقی، صلح و هم‌زیستی انسانی و نیز زدودن غبار بدبختی، یأس و جنگ از همهٔ جوامع انسانی است؛ از این رو نسخهٔ نجات‌بخش مولانا آنچنان جذابیت یافته که جوامعی مثل ترکیه در صدد مصادره مولانا برای خود برآمده‌اند و حتی با معرفی مولانا به عنوان یک شخصیت ترکیه‌ای، اقدام به سرقت شخصیت و آثار او نموده‌اند. در همایش‌های برگزار شده در ترکیه یا در برخی کتب منتشر شده در آن کشور، مدعی شده‌اند که مولانا تباری غیر ایرانی، بلکه ترک داشته است؛ هرچند این اقدامات در تعارض با روح تعالیم مولانا است؛ چون نژاد، ملیت و مذهب در دیدگاه متعالی او، گوهر انسانیت نبوده، بلکه حقیقت آدمی در جریان وصول الی الله رشد و تعالی می‌یابد. هرکس با زبان و ادبیات و تلاش خود می‌تواند حقایق را بفهمد و به مدارج عالی برسد. در داستان موسی و شبان، چوپانی را توصیف می‌کند که با زبان و ادبیات خود، اصیل‌ترین خدانشناسی را مطرح می‌کند. به هر حال این اقدامات غیرمقبول برخی از نویسندگان ترکیه نیاز به پاسخ علمی داشت و نویسنده این سه مجلد، از زوایای مختلف به معرفی اندیشهٔ واقعی مولانا و حقایق مکتب او پرداخته و نظریات غیر واقعی دیگران را به نقد کشیده است؛ البته هدف آقای صفوی فقط نقد ادعاهای ترک‌ها نیست، بلکه چند هدف را با هم دنبال می‌کند؛ ولی در مجموع دفاع علمی و منطقی مناسبی از مکتب و آرای مولانا است.

اکنون مشخصات و چکیده این سه جلد عرضه می‌شود تا پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی به محتوای آنها واقف گشته، در صورت نیاز برای تهیه این آثار اقدام نمایند.

کتاب نخست:

رئیس روح مولانا (Rumis Spiritual Shiism)

این کتاب به کوشش دکتر سیدقهرمان صفوی با مشخصات زیر در هفته‌های اخیر از چاپ خارج شده است:

Rumis Spiritual Shiism, BY SEYED Ghaeman Safavi,
London, London Academy of Iranian Studies, 2008, 86 p.

ISBN / Hard Cover: 978-1-4363-1533-3

SBN / Soft Cover: 978-1-4363-1532-6

در واقع کتاب حاضر مجموعه مقالاتی به قلم عده‌ای از نویسندگان و محققان ایران و امریکا از جمله سیدحسین نصر،

۲۰۹. مکتبه شیخ الاسلام عارف حکمة در مدینه. ج ۵، ص ۴۴۰-۵۰۴.

۲۱۰. مکتبه معهد الدراسات الاسلامیه العلیافی جامعه بغداد. ج ۵، ص ۴۰۶-۴۰۷.

۲۱۱. مکتبه مظهر فی رباط مظهر (مدینه). ج ۵، ص ۵۲۹-۵۳۴.

۲۱۲. مکتبه مکه المکرمة. ج ۵، ص ۵۴۰-۵۴۲.

۲۱۳. موزه آرمیتاژ. ج ۹، ص ۲۷۵-۲۷۶.

۲۱۴. موزه ایزابلا استوارت گاردنر. ج ۹، ص ۴۲۵-۴۲۶.

۲۱۵. موزه بریتانیا. ج ۱۰، ص ۲۲۹-۲۳۴.

۲۱۶. موزه بریتانیا «نسخه‌های خطی فارسی». ج ۴، ص ۶۴۹-۶۹۴.

۲۱۷. موزه تاریخ ادبیات شهر باکو «به نام نظامی در شهر باکو». ج ۹، ص ۲۰۲-۲۲۵.

۲۱۸. موزه شایسته در شیراز. ج ۵، ص ۲۷۰.

۲۱۹. موزه کلیسای ارمنیان در جلفا. ج ۵، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۲۲۰. موزه فاین در بوستون. ج ۹، ص ۴۴۲-۴۴۹.

۲۲۱. موزه معارف شیراز. ج ۵، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۲۲۲. موزه نوایی در شهر تاشکند. ج ۹، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۲۲۳. موزه هنرهای زیبا در بوستون. ج ۹، ص ۴۴۲-۴۴۹.

۲۲۴. موزه هنری فوگ در بوستون. ج ۹، ص ۴۲۹-۴۴۲.

۲۲۵. موزه هنری گرجستان در شهر تفلیس. ج ۸، ص ۱۶۸-۱۶۷.

۲۲۶. یزد «نسخه‌هایی...». ج ۷، ص ۷۲۰-۷۰۳.

۲۲۷. یوگسلاوی، «نسخه‌های خطی فارسی». ج ۲، ص ۲۶-۲۹.

محسن صادقی

چکیدهٔ سه کتاب جدید انگلیسی دربارهٔ مولانا (تلاش‌های جهانی در عرصهٔ مولاناپژوهی)

این سه اثر به کوشش دکتر سیدقهرمان صفوی تألیف و به زبان انگلیسی در انگلستان عرضه شده است. در سال‌های اخیر بازار مولاناپژوهی پررونق شده، آمار آثار مولوی شناسانه همواره رو به فزونی بوده است. گویا ملت‌های مسلمان و حتی متفکران و فرهیختگان غیرمسلمان، آموزه‌های مولانا جلال‌الدین رومی را داروی شفابخشی برای آلام خود یافته‌اند. انسانیت، محبت و

۳. ولایت معنوی یا عشق از دیدگاه مثنوی مولوی؛
(Spiritual Walayah or Love in the Mathnavi Mawlawi)

شهرام بازوکی (انجمن فلسفه ایران)؛

۴. دیدگاه رومی راجع به امام حسین؛ (Rumis View of the Imam Husayn) ویلیام چیتیک (دانشگاه دولتی نیویورک در استونی بروک)؛

۵. تشیع معنوی رومی؛ (Rumi Spiritual Shiism) دکتر سیدقهرمان صفوی (آکادمی مطالعات ایرانی در لندن)؛
۶. کتاب شناسی رومی.

امیدوارم پژوهشگران ایرانی از این اثر استفاده کرده، ایده مؤلف را دنبال نمایند و از کیان و میراث علمی تشیع دفاع نمایند.

کتاب دوم:

Rumi Teachings (آموزه‌های رومی)

کسانی که به زندگی و تحلیل آرای مولانا جلال‌الدین رومی پرداخته‌اند، هر کدام از موضعی به او پرداختند و در واقع هرکس از ظن خویش بار او شده است؛ اما جوهره تفکر و اساس احساس مولانا چیست؟ اصلی‌ترین و زیربنایی‌ترین آموزه‌های وی کدام‌اند؟ مؤلف تلاش می‌نماید در پاسخ به این پرسش‌ها، بهترین و علمی‌ترین شیوه را برگزیده، با تکیه بر مدارک و منابع معتبر، گزارشی از میراث گرانبهای علمی مولانا تقدیم نماید.

دکتر سیدقهرمان صفوی این کتاب را در پنج بخش تنظیم کرده است: اصول و سبک مثنوی؛ ساختار و روش شناسی مثنوی با ارتباط میان انسان و خدا با عشق در آثار رومی با روابط درونی و تأثیر مولوی بر سایر اندیشمندان.

ذیل هر یک از این سرفصل‌ها با درج یک تا هشت مقاله، آرا و نظریات مختلف را جمع نموده است.

رومی از شعرای صوفی فارسی‌زبان است. تفکر او به سبب حکمت جاودانش محدود به زمان و مکان خاص نیست؛ او پیام آور محبت و انسانیت برای انسان‌ها در همه زمان‌هاست. او به انسان حقیقی درون ما می‌اندیشد؛ انسانی که تمدن، پرده غفلت و فراموشی بر درونش کشیده است. رومی یکی از قله‌های اصلی فرقه تصوف است. او در عصری می‌زیست که در حقیقت، بازگشت به لحظه تولد اسلام بود؛ دانشمندان و فرزندان بنامی مانند ابن عربی یا به هر صه گذاشته بودند؛ در

نورعلی تابنده، ویلیام چیتیک، شهرام بازوکی و قهرمان صفوی است. موضوع کتاب تشیع معنوی از دیدگاه مولانا جلال‌الدین محمد مولوی، با استفاده از مدارک موجود در مقبره مولانا در قونیه و شواهد متنی مثنوی تألیف شده و به دفاع از تشیع معنوی او به روش کاملاً علمی پرداخته است؛ البته تشیع اسمی و تاریخی مراد نیست، بلکه به معنای ایمان قلبی به ولایت امام علی (ع) و فرزندان وی به عنوان خلفای رسول اکرم (ص) و نمایندگان خداوند و باور به قطبیت امیرالمؤمنین علی (ع) است؛ از این رو مولانا هرچند در لفظ سنی مذهب است، ولی شیعه واقعی است؛ البته نه شیعه‌ای که کلام، ذهنیت و فقه شیعیان را باور دارد، بلکه چون اعتقاد به جانشینی و انتصاب الهی امام علی و فرزندان او به عنوان ولی دارد، سزاوار نام تشیع است.

تفاوت تشیع فقهی یا کلامی و تشیع معنوی در لابه لای مباحث این کتاب آمده و نویسندگان مقالات تصریح نموده‌اند که اگرچه مولوی به خلیفه‌های اهل سنت اعتقاد دارد، اما از آنجا که علی (ع) را منشأ ولایت می‌داند و تداوم ولایت پیامبر را در امامت ایشان می‌بیند، شیعه است.

عناوین مقالات عبارت‌اند از: ارتباط جوهره و تاریخ تشیع و تصوف؛ تشیع، تصوف و عرفان؛ ولایت معنوی یا عشق از دیدگاه مثنوی مولوی؛ دیدگاه رومی راجع به امام حسین (ع)؛ تشیع معنوی از نگاه رومی؛ کتاب شناسی مولوی.

قهرمان صفوی از استادان فلسفه آکادمی مطالعات ایران در لندن و از استادان دانشگاه لندن است. او کتاب‌ها و مقالات متعددی راجع به فلسفه ملاصدرا و تصوف نوشته است و سردبیر نشریه فلسفه متعالی است. وی در زمینه مطالعات اسلامی، پژوهشگری شناخته شده در غرب است و به دلیل اینکه سالیانی را در قم نزد استادان برجسته تلمذ کرده و سپس در غرب، مدارج علمی دانشگاهی را طی سه دهه پیموده، از این رو به مبانی اسلامی بر اساس نیازها و مقتضیات زمانه کاملاً واقف است.

۱. تشیع و تصوف: ارتباط ذاتی و تاریخی این دو؛ (Shiism and Sufism: their Relationship in Essence and in History) سیدحسین نصر (دانشگاه جورج واشنگتن)؛

۲. تشیع، تصوف و عرفان؛ (Shiism and Sufism and Gnosticim (Irfan) حاج نورعلی تابنده (مجدوب علی شاه)؛

است. او کثرت‌گرایی و جایگزینی «چند» به جای «یکی بودن» را پیش شرط گفت و گو می‌داند و معتقد است عشق به دیگران و احترام به آنها ریشه در گفت و گو دارد.

الیور لیمان با بررسی دیدگاه‌های رومی به این نتیجه دست یافته است که عشق یعنی استعاره‌ای برای تماس میان انسانیت و خداوند و از این عقیده دفاع کرده است.

ناتالیا پریگارینا مفهوم عشق و هوس را در فلسفه اقبال و رومی با یکدیگر مقایسه کرده است. ساداتمیر می‌گوید: وحدت میان انسان و خدا نوعی آگاهی از جنس معرفتی است نه حلولی یا اتحادی. او سعی کرده است ارتباط میان انسان و خدا در عرفان را از نگاه مولوی بررسی کند. علوی به نبودن ساختار و طرح مشخص در کتاب مثنوی اشاره کرده است و مرور مختصری بر دفتر دوم مثنوی دارد. مزگان جهان‌آرا حرکات سماه را به لحاظ شکل و مفهوم بررسی کرده است. آندری اسمیرنو ابعاد اخلاقی رابطه میان انسان و خدا از دیدگاه رومی و ابن عربی را بررسی کرده است. عشق با ولایت معنوی از نگاه مثنوی مولوی بحث دیگری است که شهرام پازوکی به آن پرداخته است. انالویی با اشاره به داستان نوازنده و امید ترک در مثنوی معنوی، اصول اولیه عرفان، یعنی طرد و انکار و سپس، تأیید و تثبیت دوباره را یادآور شده است.

مصطفی آزمایش می‌گوید: مثنوی مسائل اجتماعی یا معنوی را آنچنان در قالب داستان‌های منظوم و ساده بیان می‌کند که هر خواننده‌ای به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کند.

در بخش دیگری از این کتاب هم به دلایل انتخاب عنوان «Shop of Oneness» برای مثنوی از نظر رومی پرداخته‌اند و تأملی بر روش‌شناسی رومی در اثرش داشته‌اند.

قهرمان صفوی از استادان فلسفه آکادمی مطالعات ایرانی در لندن و از استادان دانشگاه لندن است. او کتاب‌ها و مقالات متعددی راجع به فلسفه ملاصدرا و تصوف نوشته است و سردبیر نشریه فلسفه متعالی است. او در زمینه مطالعات اسلامی پژوهش می‌کند.

ساختار کتاب این گونه است:

فصل اول: اصول و سبک

رومی و سنت صوفیان؛ (Rumi and The Sufi Tradition)

سیدحسین نصر (دانشگاه جورج واشنگتن)؛

طریق شناخت از نگاه رومی؛ (Rumi's Path of Realization)

زمینه علوم اسلامی، فخرالدین رازی‌ها، ابن سیناها و غزالی‌ها تربیت شدند. رومی با کمک توصیفات قرآنی، گفته‌های سایر پیامبران و منابع حدیث، حیات تازه‌ای در تاریخ مقدس زنجیره پیامبران ابراهیمی به وجود می‌آورد و به دنبال حقیقت روح انسان‌هاست. او در مثنوی خود قصد دارد درباره اصول اصولی اصول الدین پیرامون افشای راز وحدت و یقین صحبت کند.

مولانا در مثنوی معنوی، خرد را در سه معنا به کار برده است: خرد علمی و فراتر از آن، خرد نظری و خرد عملی.

تحقیق که روش‌شناسی فلاسفه و عالمان الهی در اسلام است، هدف انسان معرفی شده است. رومی آن را نوعی عقل و عشق بالابرنده و تعالی بخش می‌داند. او تحقیق را یکی از ویژگی‌های یک عاشق واقعی می‌داند و می‌گوید: تقلید ما را از رسیدن به هدف دور می‌کند و مقصد واقعی را در نگاه ما منحرف می‌سازد؛ اما تحقیق یعنی نقطه مقابل آن، قلمرو واقعیت را می‌نماید. کیهان‌شناسی، متافیزیک و روان‌شناسی معنوی همگی بر پایه کشف حقیقت و تحقیق استوارند.

گوستاو ریشر در مقاله‌اش در این مجموعه، سبک قصه‌گویی و بررسی اجمالی اشعار مثنوی را بررسی کرده، ادعا می‌کند: مثنوی از الگوی قصه‌گویی قرآن استفاده کرده است و سبک آن هدفمند و سازمان‌یافته است. او همچنین تأثیرپذیری رومی از پدرش و شمس و نقش او در شکل‌گیری ادبیات فارسی را بررسی کرده است. او ابعاد متافیزیک و ساختاری مثنوی و بسیاری دیگر از لایه‌های معنایی درون تخیلات او را مورد توجه قرار داده است. او اشعار رومی را با شاعران رومانیک آلمان به این منظور مقایسه می‌کند که بدانند آیا اشعار کلاسیک و رومانیک قادر به انطباق با ابعاد معنوی مثنوی هستند یا خیر. قهرمان صفوی در مقاله‌اش روش‌شناسی جدیدی برای توصیف ساختار و تفسیر رومی به کار برده است و آن شیوه تشبیه و قلب و کلی‌نگری است. الحکیم با توجه به وجود تفاوت‌های آشکار میان دیدگاه‌های رومی و کی‌یر کگارد، تشابه میان دیدگاه‌های معنوی و فلسفی آنان را برشمرده است. اشک دهلی از استادان دانشگاه سوئد، در مقاله‌اش مفهوم و فلسفه عشق در دیوان رومی را بررسی کرده است.

عشق از دیدگاه مولوی تعالی بخش روح و جسم است.

حسن بشیر عشق و گفتگو را در اشعار مولوی بررسی کرده

فصل سوم: رابطه بین انسان و خدا

ولایت معنوی یا عشق در مثنوی مولوی، دیدگاه شیعیان؛
Spiritual Walayah or LOVE in the Mathnavi Mawlavi);
(A Shiite View) شهرام بازوکی (مؤسسه مطالعات فرهنگی و
علوم انسانی ایران)؛

ابعاد اخلاقی ارتباط انسان و خدا طبق سماء رومی، یعنی
The Relationship between) عبادت آهنگین و توأم با حرکت؛
roduction Sema an Man and God according to Rumi In
(Movable and Musical Worship) مژگان جهان آرا (دانشگاه
کوبه دزاین، ژاپن)؛

وحدت عرفانی انسان و خدا؛ (Mystical Unification Of
Man With God) مریم سادات میر (مؤسسه مطالعات فرهنگی
و علوم انسانی ایران).

فصل چهارم: عشق در آثار مولوی رومی

مفهوم عشق و هوس از نگاه اقبال و فلسفه رومی؛ (The
Concept of LOVE and Desire in Iqbal and Rumis Phi-
losophy) ناتالیا پریگارینا (مؤسسه مطالعات شرق شناسی
راس، روسیه)؛

رومی و متافیزیک عشق؛ (Rumi and the Metaphysics of
Love) آلیور لیمان (دانشگاه کتاکی ایالات متحده)؛
عشق و گفتگو در اشعار مولوی؛ (Love and Dialogue in
Mawlawis Poetry) حسن بشیر (آکادمی مطالعات پیشرفته
دانشگاه آکسفورد در انگلستان)؛

عشق راهی به سوی دانش: بررسی هرمنوتیک دیوان شمس
تبریزی؛ (Love as a Path to Knowledge: A Hermenetical
Study of Diwan-I Shams-I Tabrizi) اشک دهلی (دانشگاه
اوپسان، سوئد)؛

فصل پنجم: روابط درونی و تأثیر مولوی بر سایر اندیشمندان

رومی و کی پر کگارد: دو فیلسوف با بسیاری از نظریه های
موازی؛ (Rumi and Kierkegaard: Two Different) الحکیم
(مؤسسه مطالعات اسلامی انگلستان).

کتاب شناسی رومی

مشخصات کتاب شناختی این اثر چنین است:

Rumi Teachings, Seyed Ghahreman Safavi, London,
London Academy of Iranian Studies, 2008, 292 p.
ISBN / 978-1-4363-1686-6

(tion) ویلیام چیتیک (دانشگاه استونی بروک ایالات متحده)؛

دیدگاه رومی و ملاصدرا راجع به حکمت نظری و عملی؛
Rumi and Mulla Sadra on Theoretical and Practical
(Reason) سیدقهرمان صفوی (آکادمی مطالعات ایرانی لندن)؛
درباره اشعار آموزنده رومی؛ (On Rumis Didactic Poetry)
گوستاو ریشتر؛

عرفان فارسی: مروری با رومی؛ (Persias Mystic: Re-
view with Rumi) گوستاو ریشتر؛
عرفان فارسی: دیوان رومی؛ (Persias Mystic: Rumis)
Divan) گوستاو ریشتر؛

رویکرد کلی نگر به داستان شاه و کنیز دفتر اول مثنوی؛
Synoptical Approach to Story of the King and the
(Handmaiden of Book One of the Mathnawi) سیدقهرمان
صفوی (سوآس دانشگاه لندن)؛

دیدگاه کلی نگر دفتر دوم مثنوی؛ (The Synoptic View of
Book Two of Rimis Mathnawi) مهوش السادات علوی
(سوآس دانشگاه لندن)؛

فصل دوم: ساختار و روش شناسی مثنوی

ساختار و مثنوی؛ (Structure and the Mathnawi) سیمون
ویتمن (سوآس دانشگاه لندن ایالات متحده)؛
بررسی گفتار اول کتاب دوم مثنوی؛ (An Analysis of Dis-
course One in Book II of the Mathnawi) سیدقهرمان
صفوی (سوآس، دانشگاه لندن)؛

ساختار کلی دفتر اول مثنوی؛ (The Srtucture of Book
One of the Mathnawi as a Whole) سیدقهرمان صفوی
(سوآس، دانشگاه لندن، انگلستان)؛

بازرگان و طوطی؛ (The Merchant and his Parrot)
سیدمصطفی آزماپش، نعمت الهی گنابادی (بنیاد عرفان
متروپولیتن واشنگتن دی. سی. ایالات متحده)؛

چرا مثنوی را «Shop of Oneness» می گویند: تأملی
پیرامون روش شناسی رومی؛ (Why is the "mathnawi"
called "the Shop of oneness": Reflections on Rumis
Methodology) جانپس آشتاز (دانشگاه لاتویا، لاتویا)؛

نوازنده و پادشاه مست؛ (The Musician and the Intoxi-
cated King) علیرضا آنالویس، نعمت الهی گنابادی (بنیاد
عرفان متروپولیتن واشنگتن دی. سی. ایالات متحده آمریکا)؛

کتاب سوم:

The Structure of Rumis Mathnaw

(ساختار کتاب مثنوی معنوی)

هر اثر علمی به ویژه آثار شاخص، غیر از معنی داری واژگان، جملات و فصل‌ها، کل کتاب هم مفهوم ویژه‌ای دارد که گاه آن را روح معنایی کتاب یا سیاق کتاب می‌نامند.

مفهومی که از کل یک اثر فهمیده و دریافت می‌شود، گاه متغیر با مفهیمی است که از یک یک فصل‌ها دریافت می‌گردد. این کتاب نخستین اثری است که درباره معناداری مثنوی نوشته شده و براساس تجربیات و دانش‌های روز، به تحلیل و بررسی ساختار معنادار مثنوی پرداخته است.

مؤلف در پیش‌گفتار به این مباحث می‌پردازد: قلمرو علمی این کتاب، مفهوم ساختار علمی، ضرورت پژوهش درباره ساختار کتب آکادمیک و ساختار مثنوی، ویژگی‌های ساختار مثنوی.

هدف این کتاب که به قلم سیدقهرمان صفوی نگاشته شده، بررسی ساختار روایی و مضمونی دفتر اول مثنوی جلال‌الدین رومی است. این کتاب در قرن سیزدهم تدوین شده و مشتمل بر شش دفتر و ۲۶۰۰۰ بیت است. پژوهشگران غرب و محققان سستی معتقدند مثنوی فاقد سازمان‌دهی و نظم است. او هر یک از دفترها را به بخش‌هایی با حجم‌های متفاوت تقسیم‌بندی کرده و برای هر بخش عنوان خاصی آورده است. با کنار هم گذاشتن بخش‌ها، گفتار، مقالات یا داستان شکل می‌گیرد. کتاب اول دوازده مورد از این قبیل داستان‌ها دارد.

بخش‌های مربوط به یک داستان، توالی ندارند، بلکه از اصول تشبیه و قلب و نمادگرایی عددی پیروی می‌کنند. نمادگرایی عددی مثنوی، نوعی مقایسه میان آن و کمدی الهی دانته را به وجود می‌آورد. مثنوی بر خلاف کمدی الهی دانته از نمادگرایی عددی در سطح ساختار بیرونی استفاده نمی‌کند، اما نمادگرایی ریاضی رازورزانه‌اش را در سطح تفسیر درونی آشکار می‌سازد و این با سطح قیاسی اثر دانته تطابق دارد.

ظواهر اشعار از هیچ نظم و ترتیبی پیروی نمی‌کنند، اما وقتی گذرا خوانده می‌شوند، ساختار و سازماندهی زیبایی دارند. الگوی توزیع تأکید به طور یکسان به کار رفته است. ساختار هر داستانی و در واقع، تمامی دفتر اول از اصول تشبیه و قلب پیروی می‌کنند. گفته می‌شود زیبایی و استواری دفتر اول همانند دفتر

ششم است که بدین ترتیب مثنوی باید غنی‌تر از آنچه که تصور می‌شود باشد. ساختار اثر رومی به این مطلب اشاره دارد که در زیر دنیای تجربی احساس ما، دنیای معنوی و درونی وحدت و زیبایی عظیمی نهفته است. مثنوی اگرچه فاقد طراحی دقیق و از پیش تعیین شده نیست، اما تصادفی بودن اشعار و نظم و ترتیب آن گویای ساختاربندی مضاعف است. دکتر صفوی پیشنهاد می‌کند برای بررسی ساختار مثنوی، باید آن را با نگاه کل‌گرایانه بررسی کرد. صنعت تشبیه و قلب در این بررسی کلی، به کتاب انجیل عبری، کتاب اعداد و اوستای هومر شباهت دارد.

این اثر در چهاربخش مقدمه، روش‌شناسی و فرضیه، ساختار روایی و مضمونی دفتر اول، بررسی کتاب اول به عنوان یک کل و یک جزء، ترتیب داده شده است. فصل اول روش‌شناسی مورد استفاده در این بررسی را معرفی می‌کند. ابتدا ماهیت بحث ساختار مثنوی و سپس سطوح فرض فعلی این سازمان‌دهی توصیف می‌شوند.

نویسنده ابتدا طرح مضامین را مورد توجه قرار می‌دهد و سپس توصیف کلی را که مربوط به لایه زیرین کتاب است، مورد توجه قرار می‌دهد. در فصل اول این فرضیه مطرح می‌شود که در مثنوی دو اصل سازمان‌دهی به چشم می‌خورد: یکی نظم ترتیبی ابیات و بخش‌هاست و دیگری سازمان‌دهی کلی گفتار و دفتر و اثر است که مبنای آن قلب و تشبیه است.

فصل دوم و سوم، در واقع این فرضیه را آزمایش می‌کنند. فصل دوم مشتمل بر خلاصه‌ای از محتوای روایی و مضمونی دفتر اول است، اما در بین مطالب، فرضیه مطرح می‌شود. دوازده گفتار و ساختار در این فصل توصیف می‌شوند. نویسنده در هر گفتار، خلاصه‌ای از محتوا را می‌آورد و ساختار هر گفتار و رابطه صنعت قلب و تشبیه بین آن و دیگر گفتارها را تحلیل می‌کند؛ همچنین هر گفتار تفسیر می‌شود.

فصل سوم، دفتر اول را به طور کلی بررسی می‌کند و به رابطه میان دوازده گفتار می‌پردازد؛ در واقع، منطق دفتر اول در این فصل تحلیل می‌شود. بخش دیگری از این فصل به ارتباط میان دفتر اول و ششم می‌پردازد.

منطق دفتر اول، شرح و چگونگی سلوک نفس است؛ نفس اماره، لوامه و مطمئنه. در فصل مقدمه کتاب، قلمرو کتاب حاضر، برداشت‌های علمی از ساختار مثنوی و سازمان‌دهی کلی کتاب به تفصیل شرح داده شده است.

گفتار ششم: داستان بازرگان و طوطی؛ (Discourse Five)
The Story of the Ambassador of Rum and the Caliph
(Umar

بخش پیوندی و مرتبط: هر چه خدا بخواهد همان
می شود؛ (Discourse Six: The Story of the Merchant and
(the Parrot Central

گفتار هفتم: داستان جنگ نواز پیر در زمان عمر؛ (Lind
(Section: "Whatever Allah Wills cometh of pass"

بخش مرتبط: نماز و دعای دو فرشته؛ (Discourse Seven)
(The Story of the Old Harper in the Times of Umar
گفتار هشتم: داستان خلیفه، مرد عرب و همسرش؛ (Link
(Section: The Prayer of the two Angels

گفتار نهم: داستان شیر، گرگ و روباه؛ (Discourse
(Eight: The Story of the Caliph, the Wolf and the Fox

گفتار دهم: داستان یوسف و آینه؛ (Discourse Ten: The
(Story of the Joseph and the Mirror

گفتار یازدهم: بصیرت زید؛ (Discourse Eleven: Zayd's
(Vision

گفتار دوازدهم: داستان علی و شوالیه کافر؛ (Discourse
(Twelve: The Story of Ali and the Infidel Knight

فصل سوم: دفتر اول به منزله یک کل و یک جزء
بررسی دفتر اول به عنوان یک کل؛ (The Analysis of)
(Book One as an Entire

منطق دفتر اول به عنوان یک کل؛ (The Rationale of Book)
(One as an Entire

نظم خطی و غیرخطی دفتر اول؛ (The Linear and Non-
(Linear Ordering of Book One

دفتر اول به منزله یک جزء. (Book One as as a Part).
نتیجه گیری

مشخصات کتاب شناسی این اثر چنین است:

The Structure of Rumis Mathnavi as a Book for Love
and Pease, Book One, Seyed Gahreman Safavi, London,
London, Academy of Iranian Studies, 2005, 296 p.
ISBN / 978-0-9558898-0-0

صفرا و اعلیٰ نژاد

قهرمان صفوی از استادان فلسفه آکادمی مطالعات ایرانی در
لندن و از استادان دانشگاه لندن است. او کتاب‌ها و مقالات
متعددی راجع به فلسفه ملاصدرا و تصوف نوشته است. او
سر دبیر نشریه فلسفه متعالی است و در زمینه مطالعات اسلامی
پژوهش می‌کند.

سرفصل‌ها و عناوین آن این گونه است:

مقدمه سید حسین نصر؛

پیشگفتار مؤلف.

فصل اول: روش‌شناسی و فرضیه

- مثنوی آن گونه که شناخته ایم؛ (The Mathnavi as Known)

- مشکل ساختار؛ (The Problem of Structure)

- برخی ملاحظات روش‌شناسانه؛ (Some Methodologi-

cal Considerations

- تفسیر کلی و اصول تشبیه و قلب؛ (Synoptic Reading)

(and the Principles of Parallelism and Chiasmus

- نهفتگی بلاغی و اعترافات آگوستین (۳۵۴-۳۳۰ عصر

مسیح): دو نمونه ایرانی؛ (Rhetorical Latency and the Con-

fessions of Augustine (354- 430 CE.) Two Iranian Ex-

emplars

- فرضیه؛ (Hypothesis)

- روند انجام شده؛ (The Procedure Followed)

فصل دوم: ساختار روایی و مضمونی دفتر اول

گفتار اول: داستان شاه و غلام؛ (Discourse One: The)

(Story of the King and the Servant

بخش پیوندی و مرتبط: داستان خواربارفروش و

طوطی؛ (Link Section: The Story of the Greengrocer and)

(the Parrot

گفتار دوم: داستان شاهی که می‌خواست مسیحیان و

وزیرش را به قتل رساند؛ (Discourse Two: The Story of the

(King who liked to Kill Christians and his Vizir

گفتار سوم: داستان یک شاه یهودی دیگر؛

گفتار چهارم: داستان شیر و حیوانات؛ (Discourse Three:)

(The Story of the Another Jewish King

گفتار پنجم: داستان سفیر رم و خلیفه عمر؛ (Discourse)

(Four: The Story of the Lion and the Beastes